

## سیر تحولات تاریخی تخفیف مجازات در قوانین جزایی ایران و اصول مرتبط با آن

سید جابر حسنی<sup>۱</sup>، سید محمود مجیدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران (دامغان)

<sup>۲</sup> دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید مطهری، عضو هیئت‌علمی و استادیار گروه حقوق دانشگاه دامغان

### چکیده

جوامع از لحاظ حقوق کیفری دارای دوره و سیکلی می‌باشند که در راستای حفظ خود، مردم، تأمین امنیت و نیازمندی‌های اساسی شهروندان خود مبادرت به وضع یکسری مقررات و قوانین می‌نمایند که بیانگر واکنش اجتماع به جرم و در هر دوره به شکل متفاوتی نمود و تجلی پیدا کرده است. لذا، مطالعه جرم، ضمانت اجراها، (مجازات‌ها)، کیفیت اجرا و چگونگی اجرای مجازات، بررسی خاستگاه تاریخی آن، امری اجتناب‌ناپذیر است. به‌طور کلی سیر تحولات تاریخی تخفیف مجازات در قوانین جزایی ایران و اصول مرتبط با آن، مشخصاً بیانگر آن است که قانون‌گذار نگاه عمیقی نسبت به مسئله بازپروری و اصلاح بزهکار داشته و از سوی دیگر، تعیین مجازات‌ها متناسب با اوضاع و احوال بزهکار به شرایطی که جرم در آن اتفاق افتاده بستگی دارد و با اغماض نسبت به کاهش یا تبدیل آن روی آورده است که این رویکرد به ادوار قبل از تصویب قوانین یا همان قبل و بعد از اسلام و پس از دوره تصویب قوانین جزایی تا قبل از انقلاب و پس از آن منقسم می‌شود. این مقاله می‌کوشد تا نشان دهد در پرتو تحولات تاریخی تخفیف مجازات در قوانین جزایی اعم از: قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین خاص آیا این اهداف محقق و تبلور این تأسیس، در کدام عناوین قانونی به منصفه ظهور درآمده است و آیا اصول مرتبط با تخفیف مجازات رعایت گردیده است؟ که با بررسی سیر تحولات به نظر می‌رسد با مقایسه قواعد کهن و معاصر عیب‌های موجود را حذف و می‌توان به پیشرفت قانون‌گذار امیدوار باشیم و در قالب کلیات، تعاریف، مسئولیت و اصول قانونی مرتبط با جرم، تخفیف مجازات و مذاقه در قوانین ادواری به این معقوله پرداخته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** تخفیف، جرم و مجازات، بزهکار، سیر تاریخی و تقنینی.

## ۱- مقدمه

کهن ترین نهادهایی که بشر دست به ابداع و ابتکار آن زده، تأسیس نهادی به نام مجازات و تخفیف مجازات می‌باشد که بارزترین خصوصیت آن، ناپسند، نامطلوب بودن و در مقابل به موازات تنبه و عقوبت بزهکاران در نظر گرفتن تخفیف در اجرا، نحوه اجرا، کیفیت اجرا و تعیین میزان مجازات بوده که در راستای تشویق فرد به انجام کارهای نیک نیز مورد مذاقه قرار گرفته است.

از این حیث، بررسی سیر تاریخی در قبل و بعد از اسلام و در گذر زمان با تصویب قوانین و مقررات موضوعه، امری ضروری است تا نتایج حاصله از اهداف مجازات و تخفیف مجازات معین گردد که تا قبل از اسلام، در ادیان، حکومت پادشاهان و پس از اسلام در اکثر ابواب فقهی و در یک قرن اخیر در قوانین مورد تصویب قبل و بعد از انقلاب ملحوظ گردید. باعنایت به فلسفه مجازات و تخفیف، در این مقاله، سیر تاریخی، تغییرات، تحولات و کیفیات تخفیف به شرح پیشین تا حد زیادی بررسی و به‌طور کلی در سه دوره زمانی به نهاد تخفیف بر می‌خوریم که اوج شکوفایی آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹ متبلور که با روش تحقیق کتابخانه‌ای به تعریف، مفاهیم، اصول مرتبط، پیشینه و رویکرد نظام حقوقی جزایی ایران در ادامه پرداخته شد.

## تخفیف از نظر لغوی و اصطلاحی

تخفیف، در لغت به معنای سبک کردن، کاستن، تسکین دادن و آرام دادن است.<sup>۱</sup> تخفیف مجازات به معنای کلی؛ شامل: همه عوامل و جهاتی است که موجب می‌گردد تا مجرم به مجازات کمتری محکوم شود، مواردی همچون توبه قبل از اثبات جرم و یا گذشت شاکی در سرقت حدی موجب سقوط حد و تعیین مجازات تعزیری می‌گردد، تخفیف قضایی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همان است که در مواد ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ از این قانون و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری آمده است. در واقع موضوع تخفیف مجازات محدود به یک سری جرایم است که قانون به قاضی دادگاه اجازه داده است که میزان مجازات را از حداقل تعیین شده در قانون کمتر و یا تبدیل به نوع دیگری نماید. در این روش دادگاه باید حکم مجازات را به کمتر از حداقل قانونی صادر و یا به مجازات دیگر تبدیل نماید که عنوان تخفیف پیدا کند؛ والا، تخفیف، مجازات محسوب نمی‌گردد.<sup>۲</sup> اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۳۳۱ مورخ ۱۳۸۳/۲/۳۰ بیان داشته: ((اگر دادگاه تجدید نظر بخواهد مجازات متهم را به کمتر از حداکثر تقلیل دهد نیازی به استناد به ماده ۲۲ ق.م.ا ندارد؛ ولی اگر به آن ماده استناد کند، باید مجازات را از حداقل کمتر و یا تبدیل به نوعی کند که مساعدتر به حال متهم باشد)). در این زمینه شعبه دوم دیوان عالی کشور در رای شماره ۳۹۱۹ مورخ ۱۳۱۹/۱۱/۳۰ چنین بیان داشته است: ((تعیین کیفر، مابین حداقل و حداکثر کیفر قانونی موقوف به نظر دادگاه حکم دهنده است)).

به‌طور کلی تطبیق مجازات با شخصیت متهم علاوه بر اینکه دادرسی را قادر می‌سازد سوابق گذشته و روحیات او را مورد توجه قرار دهد بلکه با تمسک به قانون در مسیر تحول و ترقی قرار دهد.<sup>۳</sup>

معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین، چاپ سوم، سرایش، تهران، ۱۳۸۱، صص ۲۹۹ و ۹۶۹.<sup>۱</sup>

ایمانی، عباس؛ فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، اریان، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰.<sup>۲</sup>

سزواری نژاد، حجت؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات جنگل، چاپ دوم ۱۳۹۴، ص ۲۰۸.<sup>۳</sup>

## تعریف اصطلاحی جرم

جرم، در لغت؛ به معنی جزای عملی است که قانونان را از طریق تعیین کیفر منع کرده باشد.<sup>۴</sup> قانون‌گذار جزای ایران، در ماده ۲ از قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در تعریف جرم می‌گوید: ((هر رفتاری اعم از: فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود)). در این رویکرد قانون‌گذار اسلامی ملاحظه می‌گردد که؛ در تعریف جرم، در قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) عبارت: ((رفتار)) را آورده است که از نظر شمولیت وضعیت بهتری نسبت به قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ دارد؛ که جرم را، هر فعل یا ترک فعلی می‌دانست که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است؛ برای مثال: در این مقرر، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شامل موارد نگه‌داشتن یا حالت نیز می‌گردد که از آن به عنوان یک تأسیس جدید می‌توان نام برد. در فقه اسلامی؛ جرم عبارت است از: انجام دادن فعل یا بر زبان راندن سخنی که اسلام آن را حرام شمرده است و بر فعل آن کیفری مقرر داشته است. برخی از فقها جرم را مترادف جنایت می‌دانند.<sup>۵</sup>

## جرم و مجازات

اهل لغت؛ مجازات را به معنی پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی معنی نموده‌اند. بنابر منطوق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲؛ هر رفتاری اعم از: فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.<sup>۶</sup> بنابر ماده ۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.<sup>۷</sup>

## مجازات و کیفیت اعمال آن در عصر قدیم

جرائم و به تبع آن‌ها مجازات در هر جامعه با طرز فکر، درجه تمدن، مشخصات اقلیمی و روحی مردمان جامعه تناسب مستقیم دارد. جرائم و به ویژه مجازات آن‌ها؛ تحت تأثیر افکار و عادات و ارزش‌های مورد احترام هر جامعه و بسته به کیفیت قضاوت‌های هر جامعه متغیر است. به طوری که در اثر اوضاع و احوال اجتماعی ممکن است، رفتار شخصی جرم تشخیص داده شود و به حداکثر مجازات محکوم شود در حالی که رفتار همان شخص در اجتماعی دیگر امری عادی و مقبول تلقی شود.<sup>۸</sup> اجتماعات اولیه، فاقد تشکیلات منظم و معین بودند و افراد به صورت خانواده یا قبیله و در همان حال مستقل از یکدیگر زندگی می‌کردند.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۱، ص ۱۹۱.

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲.

جهت مطالعه بیشتر ر. ک. ب: مجموعه قوانین سال ۱۳۹۲.

ماده ۴ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.

شرب مسکرات در بعضی از کشورها جرم نیست و تنها تظاهرات مستانه و یا عرضه مشروبات الکلی به افراد نابالغ جرم شناخته می‌شود. در مقابل در یک نظام اسلامی مثل ایران شرب خمر، مستوجب ۸۰ تازیانه است. داشتن روابط آزاد جنسی در بعضی جوامع برای افراد بالغ جرم نیست در صورتی که در جوامع مذهبی اسلامی چنین روابطی بر حسب مورد مستوجب شلاق یا رجم است.

مبنای تعقیب و مجازات خطاکارانی که دیگران را مورد تعدی و تجاوز قرار می‌دادند، انتقام بود؛ ولی انتقام حد و حصری نداشت و مسئولیت بزهکاری تنها به عهده شخص بزهکار نبود؛ به طوری که افراد خانواده او نیز در معرض انتقام خانواده یا قبیله ستمدیده واقع می‌شدند و عفو و گذشت جزء معایب محسوب می‌شد.

بنابراین، اصل مسئولیت دسته‌جمعی حاکم بر جامعه مطرح بود و بعدها اصل شخصی بودن مجازات؛ یعنی قاعده‌ای که تنها مباشر، شریک و معاون جرم را قابل مجازات می‌داند، جایگزین قاعده مسئولیت دسته‌جمعی گردید.

در اروپا از اوایل قرن ۱۹ (م) اصل شخصی بودن مجازات از طرف پیروان مکتب کلاسیک توصیه شد. شارع مقدس اسلام از ۱۴ قرن (ه ق) پیش‌تر بر این اصل تأکید داشته است؛ «ولا تزر وازره وزر اخری».<sup>۹</sup>

به تدریج اختیار انتقام و قدرت اعمال کیفر به رئیس خانواده تفویض گردید و رئیس خانواده شخص متجاوز و خطاکار را به میل و اراده خویش کیفر می‌داد؛ تا به گمان خود خانواده از غضب خدایان در امان بماند، برای مثال: پسری که احترام بزرگتران را رعایت نمی‌کرد یا زن شوهرداری که از دایره عفت و وفاداری تجاوز می‌کرد، کیفرش با رئیس خانواده بود. این مجازات در آن دوران با تشریفات ویژه‌ای به مورد اجرا گذارده می‌شد و در حضور اعضای خانواده به مرحله اجرا درمی‌آمد.

انتقامی که میان اعضای یک فامیل با اعمال قدرت رئیس خانواده و اجرای مجازات کنار گذارده می‌شد، باز در روابط میان افراد خانواده‌ها و قبایل مختلف با وقوع جرم ظاهر می‌شد. به طور مثال؛ اگر فردی از قبیله‌ای گوسفند یا گاوی به سرقت می‌برد قبیله‌ای که مورد دستبرد قرار گرفته بود، درصدد انتقام برمی‌آمد و به قبیله متجاوز حمله می‌برد و بدینوسیله حس انتقام خود را تسکین می‌داد.

با گرد هم جمع شدن قبایل و ایجاد شهرها و تشکیل قدرت مرکزی، بازم مفهوم انتقام از میان نرفت، به تدریج دولت با توسعه اقتدار خود و لزوم حفظ نظم و آرامش و جلوگیری از قتل، غارت و خونریزی، قواعد و مقررات خاصی وضع کرد؛ تا زبان‌دیده یا خانواده او بتوانند انتقام گرفته و خسارات خود را در محدوده قواعد و ضوابط معین از بزهکاران بستانند.

نتیجه این دخالت دولت، ایجاد توازن و تناسب میان زیان وارد شده بر محنی علیه و اعمال کیفر نسبت به تبهکار گردید.<sup>۱۰</sup>

### معنا و مفهوم مجازات و سیر تحول آن

مجازات، در لغت به معنای پاداش و کیفر است.<sup>۱۱</sup> مجازات، سزای عمل کسی است که مرتکب عمل مجرمانه شده است. مجازات اراده‌ای است که دادگاه به علت ارتکاب جرم و به نشانه نفرت جامعه برای مرتکب تعیین می‌نماید.

در جوامع اولیه، پاسخ به ناقضان ارزش‌های جامعه به صورت جنگ و مجازات بی‌حد و اندازه بود؛ بنابراین؛ پاسخگویی به جرم جنبه گروهی داشت تا فردی. نظام عدالت کیفری، قرن‌ها مبتنی بر نظام عدالت قبیله‌ای<sup>۱۲</sup> با تأکید بر انتقام و با استفاده از قوانین خونین<sup>۱۳</sup> استوار بوده است.<sup>۱۴</sup>

مشکلات اجتماعی، عمدتاً به عنوان موضوعاتی فردی که باید افراد خود اقدام به حل و فصل آن نمایند نگریسته می‌شد. به علت عدم وجود دولت با پدیده‌های جامعه از جمله: جرم و مجازات به شکل ابتدایی برخورد می‌نمودند. انتقام بی‌حد و مرز، کشتن

<sup>۹</sup> قران کریم، سوره مبارکه انعام، آیه، ۱۶۴، رسم الخط عثمان طهاها.

<sup>۱۰</sup> گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۲، صص ۲۹ و ۳۰.

<sup>۱۱</sup> عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، جلد دوم، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴.

3 Tribal justice.  
4 the blood-feud.

جهت اطلاع بیشتر از مفهوم انسان شناسی حقوقی و خصوصیات و قواعد حاکم بر انتقام جویی ر.ک. به: نک: متن سخنرانی پروفسور رولان؛ در دانشگاه علوم رضوی، مجله تخصصی<sup>۱۴</sup> دانشگاه علوم اسلامی رضوی، فصلنامه پژوهشی علوم انسانی، شماره دوم، سال اول، زمستان ۱۳۸۰، صص ۱۸۴-۱۷۵.

دهها نفر در برابر جرم ارتكابی، عدم تناسب جرم و مجازات، خصوصی بودن جرم و انتقام، از خصوصیات مجازات در دوران اولیه زندگی بشر است.

رفته‌رفته قبایل به هم نزدیک‌تر شدند قبایل بزرگ‌تر و نیرومندتر قبیله‌های کوچک‌تر و ضعیف‌تر را مغلوب و در خود حل نمودند، اختیارات روسای قبیله‌ها و اعمال مدیریت آن‌ها بر اقوام مختلف و کنترل جامعه، ظهور مذهب و دین به‌ویژه ادیان الهی و تأکید بر تعدیل مجازات و متأثر شدن دولت‌ها از عکس‌العمل افراد در قبال جرم، همگی سبب شد که دولت‌ها درصدد تعدیل مجازات برآیند و واکنش به جرم تا حدودی متعادل گردد و از شدت و حدت آن کاسته شد؛ هرچند هنوز ابتکار تعقیب و مجازات در دست مجنی علیه یا خانواده او بود، اما، دولت‌ها اقدام به ایجاد قواعدی نمودند، تا از دخالت دیگران در امر قضا کاسته شود.

در این مرحله قانون قصاص، از جمله مهم‌ترین مجازات در برابر جرم ارتكابی است، چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان، منبعث از ادیان الهی، همچون دین یهود موجب گردید که مجازات تحت قاعده درآید؛ در نتیجه از مسئولیت جمعی، تا حدودی کاسته شد و مسئولیت شخصی، به همان میزان افزایش پیدا کرد.

دریافت غرامت، مال، دیه و یا خون‌بها به‌جای انتقام و قصاص در برابر جرم در این دوره رایج گردید. چنانچه، امکان قصاص جانی وجود نداشت، دولت با تعیین میزان غرامت و مال مجرم را موظف به پرداخت آن به مجنی علیه و یا خانواده آن می‌نمود. این اقدام موجب گردید که جامعه رفته‌رفته از مجازات بر مبنای انتقام و حتی قصاص دور شود، بر این اساس، این دوره را دوره سازش اختیاری هم نامیده‌اند.<sup>۱۵</sup>

تأثیر دین و مذهب موجب گردید که اجرای مجازات در برخی زمان‌ها و ممکنه با محدودیت مواجه شود، به‌عنوان مثال در برخی اعیاد یا اماکن جنگ و انتقام ممنوع گردید. این امر نیز تا حدودی موجب دوری از دوری انتقام شد.<sup>۱۶</sup> دولت در قبال خدماتی که برای استقرار نظم انجام می‌داد مقداری از سهم دیه محنی علیه را به خود اختصاص می‌داد تا صرف هزینه‌های برقراری نظم نماید، بعدها دریافت این سهم منها مجازات جزای نقدی شد که تاکنون به‌عنوان یکی از مجازات اصلی در حقوق جزا به حیات خود ادامه می‌دهد.

بعد از به وجود آمدن دولت‌ها نسق یافتن مقررات اجتماعی تحت لوای دولت قرار گرفت. معنای دولت در این دوره نه به معنای دولت امروزی که در گستره وسیعی از سرزمینی حاکمیت دارد؛ بلکه منظور دولت‌های محلی است که در هر منطقه‌ای دارای مقررات خاص می‌شوند و با ایجاد مقرراتی که عمدتاً جامعه‌ای محدود را در بردارد، حاکمیت می‌کنند. معنای نظم عمومی نیز نباید با نظم عمومی کنونی یکسان پنداشت؛ چرا که در دوره دادگستری عمومی لایه‌های از دوره انتقام و دادگستری خصوصی وجود دارد.

منتها از آنجایی که بعد از حاکمیت و قدرت یافتن دولت‌ها حقوق کیفری در اغلب نقاط دنیا عمومی می‌گردد؛ لذا این دوره را دوره دادگستری عمومی می‌نامند، در این دوره دولت‌ها قدرتمند شده و نظم جامعه متعلق به دولت می‌شود. هر نوع بی‌نظمی و اختلال در جامعه اختلال در نظم دولت محسوب می‌گردد. دولت خود را محق می‌داند، در هر رفتاری که موجب اختلال در نظم جامعه شود دخالت نماید و با بر هم زنده آن مقابله کند؛ بنابراین، جرم و مجازات دیگر همانند دوره انتقام، جنبه خصوصی

-ردبیلی، محمد علی؛ جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، چاپ ۲۲، تهران، ۱۳۸۸، ص ۶۴<sup>۱۵</sup>

نور بها، رضا؛ زمینه جزای عمومی با تجدیدنظر و اضافات، نشر کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و هفتم، سال ۱۳۸۸، ص ۷۸<sup>۱۶</sup>

ندارد. در این دوره جرم، جنبه عمومی پیدا می‌کند؛ بنابراین؛ دولت به‌عنوان مدعی‌العموم پیگیر تعقیب و مجازات مرتکب جرم است.

اختیارات وسیع قضاات دادگاه‌ها در تعیین مجازات، عدم وجود تناسب بین جرم و مجازات، حبس‌های انفرادی طولانی، داغ کردن، مثله کردن و پارو زنی در کشتی، از جمله: مجازات این دوره است. در این دوره دولت، با تثبیت دیه یا خون‌بها در بسیاری جرائم، جانی را مکلف به پرداخت آن و مجنی علیه را موظف به دریافت آن نمود.

برخلاف دوره تعدیل نسبی انتقام که طرفین در مورد دریافت خون‌بها اختیار داشتند، در این دوره آنان اجبار به سازش با پرداخت و دریافت خون‌بها شدند.

از این حیث؛ جرم، رفته‌رفته از جنبه خصوصی خارج گردید و مدعی‌العموم مسئول تعقیب مجرم شد. بسیاری از جرائم تحت عنوان امنیت داخلی و خارجی که بر ضد ملت و دولت جرم محسوب می‌گردید به وجود آمد، منتها بسیاری از جرائم بر ضد امنیت داخلی و خارجی کشور که امروزه در قوانین کیفری کشورها وجود دارد را در این دوره باید جستجو نمود.

قرن ۱۸ میلادی و پایان قرون وسطی سرآغازی دوباره برای انسان است. وقوع انقلاب سیاسی فرانسه<sup>۱۷</sup> و انقلاب صنعتی انگلستان<sup>۱۹</sup> تحول شگرفی در زندگی فردی و اجتماعی انسان به وجود آورد. در صحنه سیاسی و اجتماعی نیز حکومت‌ها نگرشی نو به انسان و ویژگی‌های او پیدا کردند و عملاً احترام به انسان و رعایت حقوق وی، شعار همه گردید.

در حقوق جزا نیز، بر مبنای همین طرز تفکر، با انتشار افکار اندیشمندانی همچون، ژان ژاک روسو<sup>۲۱</sup>، کانت<sup>۲۲</sup>، ژوزف دومستر<sup>۲۳</sup>، منتسکیو<sup>۲۴</sup>، سزار بکاریا<sup>۲۵</sup>، بنتام<sup>۲۶</sup> و فوبرباخ<sup>۲۷</sup>، الغای مجازات‌های سبعانه و خشن و تعدیل نسبی متجاوزان و متعرضان به حیات اجتماع با ارائه اصول و مبانی جدیدی ظهور پیدا کرد. مدعیان و طرفداران به کارگیری حقوق جزا از نحله‌های مختلف

### 1 French Revolution.

<sup>۱۸</sup> انقلاب فرانسه یا انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۹۹-۱۷۸۹) دوره‌ای از دگرگونی‌های اجتماعی - سیاسی در تاریخ سیاسی فرانسه و اروپا به دست ملت فرانسه بود. این انقلاب، یکی از چند انقلاب مادر در طول تاریخ جهان است که پس از فراز و نشیب‌های بسیار، منجر به تغییر نظام سلطنتی به جمهوری دموکراتیک فرانسه و ایجاد لائسیته شد. پس از انقلاب فرانسه در ساختار اجتماعی، روشنفکران و حکومتی فرانسه، که پیش از آن سلطنتی با امتیازات فئودالی برای طبقه اشراف بود، تغییرات بنیادی در ابتدا به صورت امپراتوری دیکتاتوری نظامی و سپس در شکل‌های مبتنی بر اصول امپریالیسم، جدایی دین از سیاست، سرمایه‌داری، رشد برده داری در کنار مافیای مالی، روشن‌گری، ملی‌گرایی دموکراتیک، نظامی‌گری، استثمار و استعمار جدید در کنار حقوق شهروندی پدید آمد.

### 3 Industrial revolution.

<sup>۲۰</sup> انقلاب صنعتی که به عنوان انقلاب صنعتی اول نیز شناخته می‌شود، عبارت است از: دگرگونی‌های بزرگ در صنعت، کشاورزی، تولید و ترابری که در بازه زمانی سال ۱۷۶۰ تا سال ۱۸۴۰ میلادی رخ داد. ابتدا در انگلستان آغاز شد و سپس به اروپا و آمریکا راه یافت. این تحولات در هنگام صنعتی شدن کارخانه‌ها و صنایع رخ داده‌است، صنعتی شدن به معنی استفاده از نیروی ماشین به جای نیروی انسان است. انقلاب صنعتی، ابتدا از انگلستان شروع شد، زیرا انگلستان پس از چندین قرن تحول سیاسی داخلی، توسعه استعمار تجاری، گسترش ناوگان دریایی، رشد طبقه متوسط و بهبود امور نظامی و اداری کشور، از نظر زمین، کارگر، سرمایه، مدیریت و حکومت وضعیتی مطلوب و هماهنگ داشت که زمینه پیشرفت صنعتی در این کشور را فراهم می‌کرد. انقلاب صنعتی در انگلستان در سه زمینه بافندگی، زغال سنگ و ذوب آهن بیشتر نمود یافت. استفاده از دستگاه‌ها به جای روش‌های تولید دستی، ساخت مواد شیمیایی جدید و روش‌های تولید آهن جدید، افزایش استفاده از نیروی بخار و آب، ساخت ماشین ابزارها و ظهور کارخانه‌های تولید مکانیزه از جمله مهم‌ترین تحولات در این انقلاب می‌باشد. در این میان، گاهی سخن از دو انقلاب صنعتی برده می‌شود که یکی در قرن هجدهم و دیگری در قرن نوزدهم است. دو نتیجه مهم انقلاب صنعتی، گسترش استعمار اروپایی‌ها در کشورهای آسیایی و آفریقایی و بهره‌کشی از کارگران در داخل بود. نماد انقلاب صنعتی، ماشین بخار است. انقلاب صنعتی دومین تحول عظیم دنیا می‌باشد. تحول اول را انقلاب کشاورزی و تحول سوم انقلاب الکترونیک می‌دانند.

<sup>1</sup> Jean - Jacques Rousseau.

<sup>2</sup> Immanuel Kant.

<sup>3</sup> Joseph de Maistre.

<sup>4</sup> Charles-Louis de Secondat, Baron de La Brède et de Montesquieu.

<sup>5</sup> Cesare Beccaria.

<sup>6</sup> Jeremy Bentham.

<sup>7</sup> Ludwig Andreas Feuerbach.

اجرای عدالت، تهدید و ارباب مجرمان بالفعل و بالقوه و پیشگیری از ارتکاب جرم از راه اهداف حقوق جزا و مجازات دانسته و می‌داند که در کتب حقوق جزا در قسمت مربوط به اهداف مجازات به آنها پرداخته می‌شود.<sup>۲۸</sup>

### بزهکار از منظر حقوق جزای ایران

در بینش قانون‌گذار ما، مفهوم بزهکار، با مفهوم بزه پیوندی نزدیک دارد. بزهکار، یا مجرم، در نظام کیفری ما کسی است که رفتاری مغایر با اوامر و نواهی قانون‌گذار مرتکب شود<sup>۲۹</sup> و چون برای تحقق جرم افزون بر عنصر مادی، محتاج به وجود عنصر دیگری یعنی عنصر روانی است، جرم از نظر قانونیف هنگامی رخ می‌دهد که رفتار مادی تشکیل‌دهنده آن (عنصر مادی) از موجودی با قصد و اراده (عنصر روانی) صادر شده باشد.<sup>۳۰</sup>

بزهکار یا مجرم، از اصطلاحات حقوق جزا بوده و به معنای کسی است که مرتکب جنایت، جنحه، خلاف یا جرم شده باشد. به‌طور کلی، مفهوم مجرم بستگی به مفهوم جرم دارد چون، مجرم بودن مستلزم ارتکاب جرم است.

منظور از ارتکاب جرم، ارتکاب اعمالی است که در قانون برای آنها مجازات تعیین شده است نه هر عمل زیان‌آوری.

بیان شد بزهکار، در لغت به معنای گناه‌کار و خطاکار است<sup>۳۱</sup> و در اصطلاح اعم؛ کسی است که مرتکب جنایت یا جنحه یا خلاف می‌شود و به معنی اخص مرتکب جنایت یا جرم را بزهکار یا مجرم می‌گویند.<sup>۳۲</sup>

در حقوق جزای کلاسیک، فقط جرم و مجازات، مورد مطالعه قرار می‌گرفت و از توجه به مجرم غفلت می‌شد، در حالی که در حقوق جزای مدرن، ارزیابی توانایی و خصوصیات عامل وقوع جرم مورد توجه قرار گرفته است و حتی در قوانین برخی از کشورها تدابیری برای ملاحظه و توجه به خصوصیات مجرم اندیشیده شده تا با توجه به آن، به مجازات مجرم پرداخته شود.

قانون جزایی فرانسه نیز در جرایم جنایی، بازپرس را مکلف کرده تا در کنار پرونده اتهامی متهم، « پرونده شخصیت بزهکار»<sup>۳۳</sup> که توسط متخصصین تهیه می‌شود و حاوی انجام آزمایش‌های پزشکی و روان‌پزشکی و روان‌شناسی است تشکیل دهد<sup>۳۴</sup> که با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۴ این تأسیس در قانون اخیرالتصویب پیش بینی گردیده است.<sup>۳۵</sup>

به‌طور کلی مفهوم مجرم بستگی به مفهوم جرم دارد چون مجرم بودن مستلزم ارتکاب یک جرم است، منظور از ارتکاب جرم ارتکاب اعمالی است که در قانون برای آنها مجازات تعیین شده نه هر عمل زیان‌آور.<sup>۳۶</sup>

<sup>۲۸</sup> سبزواری نژاد، حجت؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۴، صص ۳-۶.

به اعتقاد ما با رویکرد جدید قانونگذار در تصویب قانون مجازات اسلامی و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، بزهکار، شخصی است، اعم از: حقیقی و یا حقوقی که رفتاری مغایر با اوامر و نواهی قانونگذار مرتکب شود.

<sup>۲۹</sup> اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ سی و ششم، پاییز ۱۳۹۳، صص ۵۲.

<sup>۳۰</sup> عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶، چاپ ۲۸، ج ۱، صص ۳۵۱.

<sup>۳۱</sup> جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، چاپ ۱۹، ش ۴۸۸۴، صص ۶۱۸.

<sup>۳۲</sup> جهت مطالعه بیشتر: ر.ک. به: سبزه‌علی، راضیه و همکاران؛ پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۲، شماره ۱۰۴، زمستان ۱۳۹۷، صص ۶۷-۹۳ و گوزلی محمد- شاملو، باقر؛ پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه، آموزه حقوق کیفری دوره جدید، پاییز و زمستان، شماره ۲، ۱۳۹۰ و محمدیان، سارا - محمدرضایی، بابک؛ لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرآیند دادرسی کیفری ایران، مجله علمی پزشکی، دوره ۱۹، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۹۲، صص ۲۳۹-۳۴۰.

<sup>۳۳</sup> ولیدی، محمدصالح؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، جنگل، ۱۳۸۸، چاپ ۱، صص ۲۴۹.

<sup>۳۴</sup> جهت مطالعه بیشتر: ر.ک. به: قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۴.

<sup>۳۵</sup> گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ۱۳۸۵، چاپ ۱۳، صص ۱۹۳.

## مسئولیت اشخاصی حقیقی و حقوقی

در یک نگاه کلی می‌توان اشخاص را که مرتکب جرم می‌شوند به دو بخش تقسیم کرد: اشخاص طبیعی یا حقیقی و اشخاص حقوقی.

اصولاً روح فردگرائی حقوق جزا به طریقی است که انتساب رفتار مجرمانه و اعمال کیفر نسبت به فرد انسانی امکان‌پذیر است.<sup>۳۷</sup> به‌همین خاطر بزهدار را می‌توان در قبال اعمالی که به صورت آگاهانه مرتکب شده و جرم می‌باشد، مؤاخذه کرد. همین‌طور هرگاه یک شخص طبیعی به عنوان نماینده یا عامل شخص حقوقی، مانند: شرکت، مرتکب جرم شده باشد، با رعایت شرایطی از نظر جزایی مسئول شناخته می‌شود.<sup>۳۸</sup>

اما، آیا گروه‌ها و جمعیت‌های متشکل از افراد انسانی که قانون برای آنها موجودیت حقوقی مستقل و متمایزی از افراد تشکیل دهنده آنها به رسمیت شناخته (شخص حقوقی) نیز ممکن است مرتکب جرم شوند؟ گروهی از حقوقدانان به ادله زیر؛ مخالفین قبول مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی هستند:

ا. اشخاص حقوقی فاقد اراده مستقل هستند و انتساب عمل مجرمانه به اشخاص حقوقی ممکن نیست.<sup>۳۹</sup>  
 ب. قبول مسئولیت جزائی برای اشخاص حقوقی با اصل شخصی بودن مجازات‌ها منافات دارد زیرا؛ موجب توجه زیان به صاحبان سهامی می‌شود که در این عمل مجرمانه اصلاً شرکت نداشته‌اند.<sup>۴۰</sup>  
 ج. اگر به ماهیت و طبیعت مجازات‌های جزائی توجه نمائیم ملاحظه می‌کنیم طوری انتخاب شده‌اند که متناسب با اشخاص طبیعی هستند مثل اعدام و شلاق و غیره.<sup>۴۱</sup>

د. کیفر دادن اشخاص حقوقی با هدف اصلاح و تربیت مجرمین مغایر است.<sup>۴۲</sup>  
 در مقابل گروهی دیگر موافق مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی هستند و برای نظر خود این ادله را می‌آورند:  
 ا. اشخاص حقوقی صاحب شخصیت مستقل هستند لذا؛ اجرای مجازات‌های مالی و مصادره اموال به جای کیفرهای اشخاص طبیعی می‌تواند مؤثر باشد.<sup>۴۳</sup>

ب. با توجه به فعالیت‌های مکارانه اشخاص حقوقی پذیرش مسئولیت جزائی برای این اشخاص جهت حفظ منافع و مصالح عمومی واجب است.

ج. استدلال مربوط به شخصی بودن هم قابل دفاع نیست زیرا، همین استدلال درباره اشخاص طبیعی نیز مصداق دارد و با مجازات فرد خانواده‌ی او نیز آسیب می‌بیند.<sup>۴۴</sup>

د. اگرچه این تحمیل مجازات‌ها فاقد هدف اصلاح است اما، اهداف دیگری مثل: ارباب و پیشگیری عمومی را دنبال می‌کند.<sup>۴۵</sup>  
 امروزه در کشورهایی مثل: انگلیس و آمریکا رویه قضایی به‌طور کامل مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی را پذیرفته اما، رویه قضایی فرانسه در جهت معکوس تاکنون جز در موارد استثنایی از پذیرش مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی امتناع کرده.<sup>۴۶</sup>

<sup>۳۷</sup>. پیشین، ص ۱۹۳.

. ولیدی، محمدصالح؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، جنگل، ۱۳۸۸، چاپ ۱، ص ۲۴۹.<sup>۳۸</sup>

. افراسیابی، محمداسماعیل؛ حقوق جزای عمومی، تهران، فردوسی، ۱۳۷۷، چاپ اول، ج ۲، ص ۳۵.<sup>۳۹</sup>

. علی‌آبادی، عبدالحسین؛ حقوق جنایی، تهران، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۶، چاپ ۵، ج ۱، ص ۱۳۷.<sup>۴۰</sup>

. پیشین، ص ۳۵.<sup>۴۱</sup>

. پیشین، ص ۲۵۱.<sup>۴۲</sup>

. پیشین، ص ۲۵۰.<sup>۴۳</sup>

. پیشین، ص ۳۷.<sup>۴۴</sup>

. افراسیابی، محمداسماعیل، حقوق جزای عمومی، تهران، فردوسی، ۱۳۷۷، چاپ اول، ج ۲، ص ۳۷.<sup>۴۵</sup>



در کشور ایران نیز قانون‌گذار، در سنوات گذشته، به‌طور عام مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی را نپذیرفته و فقط در مواردی اشخاص حقوقی را در قبال جرایم خود مسئول دانسته، مثل: ماده ۵۵۸ به بعد ق.م.ا، ماده ۱۸ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ و ماده ۱۹ اصلاحی آن مصوب ۱۳۷۲، ماده ۶۵ لایحه قانونی مجازات متخلفین از مقررات قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۹ و ماده ۱۵۴ قانون مالیات‌های مستقیم و غیره.<sup>۴۷</sup> لیکن، با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۴ و قوانین خاصی مانند قانون صدور چک و... قانونگذار جزایی ایران به‌طور اخص برای اشخاص حقوقی مجازات تعیین و پیش‌بینی نموده است.<sup>۴۸</sup>

### اصل قانونی بودن جرم و مجازات

محاسن، معایب و انتقادات وارده بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات با رویکرد اصلاح بزهکار از جمله اصول مهم و زیربنایی حقوق کیفری، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات است، بدین مفهوم که هیچ عملی را نباید جرم محسوب کرد و کسی را به مجازات محکوم کرد مگر آنکه از قبل برای آن قانونی وجود داشته باشد و از این اصل قواعدی چون قاعده تفسیر مضیق به نفع متهم و عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری منتج می‌گردد. براین اساس، از آنجایی که اقدامات تأمینی نیز به نحوی بر آزادی و حقوق اساسی و اجتماعی افراد تأثیرگذار است، می‌باید، تابع این اصل مسلم حقوق کیفری قرار داشته باشند؛ چرا که با رعایت مفاد این اصل و انعکاس آن در متون قانونی باب سوءاستفاده و افراط‌کاری در این زمینه نیز مسدود می‌شود و مقام قضایی و سایر مقام‌های صاحب صلاحیت مکلف می‌باشند تا اعمال و اجرای این اقدامات بر افراد را در چهارچوب قانون در نظر بگیرند و حق تخطی و اجرای خودسرانه وجود نخواهد داشت. نقض مسلم حقوق انسانی و محدودیت غیرقانونی بر اشخاص که در مورد آن‌ها این اقدامات اعمال خواهد شد و سلب آزادی و حقوق اجتماعی مردم و سوءاستفاده صاحبان قدرت، برای از بین بردن برخی مخالفان بدون هیچ‌گونه دست‌آویز و توجیه قانونی از نتایج مخرب عدم اعتقاد به اصل قانونی بودن این اقدامات است. اصل قانونی بودن مجازات به‌طور صریح در اصل ۳۶ قانون اساسی و همین اصل، در مورد مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی به‌صراحت در مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تأکید مجدد شده است.

در اینخصوص، ماده ۱۲ مقرر می‌دارد: حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن باید از طریق دادگاه صالح به‌موجب قانون و بارعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد و ماده ۱۳ بیان می‌دارد: حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است، تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد، حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود، علاوه بر مراتب مذکور مقررات آیین دادرسی کیفری در مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز یکسان بوده و تفاوتی از نظر دادرسی کیفری بین آن‌ها وجود ندارد.<sup>۴۹</sup>

۴۶. افراسیابی، محمداسماعیل، حقوق جزای عمومی، تهران، فردوسی، ۱۳۷۷، چاپ اول، ج ۲، ص ۴۳۷.

۴۷. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ۱۳۸۵، چاپ ۱۳، ص ۱۹۵.

۴۸. جهت مطالعه بیشتر: ر. ک. به: ساکی، محمدرضا؛ حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری)، جلد دوم، انتشارات جنگل - جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۲، صص ۹۷ - ۱۰۶.

۴۹. سزواری نژاد، حجت؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۴، ص ۳.

### نتایج گفته‌شده از اصل قانونی بودن جرم و مجازات در اصلاح بزهکار

اصل قانونی بودن همان‌قدر که در تعیین نوع جرم کاربرد دارد، در تعیین نوع و میزان مجازات نیز معتبر است. هر کس افزون بر اینکه باید بداند چه رفتاری جرم است، باید از عواقب این رفتار نیز آگاه باشد، علم به چند و چون مجازات، شخص را به قبح و شدت کاری که در نظر دارد و از آن غافل است آگاه می‌کند.

اصل قانونی بودن مجازات هم‌زمان، چه برای قانون‌گذار که به تعیین مجازات می‌پردازد و چه برای دادرسی که فقط به‌موجب قانون می‌تواند حکم مجازات صادر کند و چه برای مجریان که مجازات مورد حکم را اجرا می‌کند، تکالیفی ایجاد می‌کند. همین اصل و آثار آن درباره اقدامات تأمینی و تربیتی نیز صادق است.

اقدامات کیفری و نیز تأمینی و تربیتی تابع اصول مشترکی هستند که تخطی از آن به‌هیچ وجه جایز نیست. این اصول حافظ حقوق و آزادی‌های فردی و ضامن حق کرامت انسانی است که در قانون اساسی محترم شمرده شده است؛ زیرا؛ اجرای مجازات و اقدامات تأمینی مستلزم محدود کردن آزادی‌های فردی و تحمیل سختی‌هایی است که اگر از حدود ضرورت فرا رود، خود ظلم و تجاوز به حقوق دیگران تلقی می‌گردد؛ بنابراین؛ بسیار مهم است که شکل‌گیری این اقدامات و آیین و نحوه اجرای آن تابع اصولی باشد که خود از مصالح عالی‌تری سرچشمه می‌گیرد.

از میان قواعدی که ضامن حقوق متهمان و مظنونان به ارتکاب جرم به‌حساب می‌آیند باید از این قواعد نام برد: رعایت اصل قانونی بودن، رعایت حق کرامت انسانی و ضرورت مداخله مقام قضایی<sup>۵۰</sup>.

### نقش مجازات در اصلاح بزهکار

اجتماع متشکل از گروه‌های مختلف است و این گروه‌ها را افراد تشکیل داده‌اند و پایه دوام و استحکام اجتماع، رفتار انسان‌ها و اعضای متشکل آن است. اجتماع نیاز به نظم و امنیت دارد و برای حفظ نظم و امنیت اجتماعی و تنظیم روابط افراد آن با یکدیگر وجود قواعد و مقرراتی ضرورت دارد و هر یک از افراد جامعه به قول ژان ژاک روسو<sup>۵۱</sup>، به اختیار خود برای رسیدن به یک زندگی اجتماعی راحت و بی‌دغدغه و رفع نیازهای خویش، از پاره‌ای از آزادی‌های فردی و اجتماعی صرف‌نظر کرده و برای ادامه زندگی گروهی الزاماً این قواعد و مقررات را رعایت می‌کنند.

هر رفتاری که ناقض نظم اجتماع باشد و به حیات اجتماعی لطمه وارد کند، از سوی جامعه جرم شناخته و بر آن مجازات اعمال می‌شود. مجازات نیز از ضوابط و قواعدی تبعیت می‌کند. مجازات باید متناسب با عمل مجرمانه و متناسب با شخصیت و درجه تقصیر مجرم باشد. هر مجرمی از حالات و احوال روحی خاصی برخوردار است؛ بنابراین؛ شرایط ارتكابی جرمی واحد توسط اشخاص مختلف، متفاوت است. به‌طوری‌که دو مجرم، فقط در ارتکاب عمل مجرمانه باهم شباهت دارند.

### اتمام دوران مجازات خشن

در دوره‌ای تصور می‌شد دفاع از اجتماع، تنها از طریق مجازات سخت و توسل به خشونت امکان‌پذیر است و تصور می‌گردید که مجازات و مخصوصاً مجازات شدید، به‌خودی‌خود می‌تواند جلوی ارتکاب جرم را بگیرد؛ اما، امروزه دیگر دوران این مجازات سرکوبگرانه خاتمه یافته است.

اردبیلی، محمد علی؛ حقوق جزای عمومی، جلد سوم، نشر میزان، چاپ سی و هشتم، پاییز ۱۳۹۳، ص ۵۴<sup>۵۰</sup>

<sup>۵۱</sup> Jean-Jacques Rousseau.

نظام کیفری، امروز به دنبال حصول اهدافی است که با نظام کیفری سنتی کاملاً تفاوت دارد، نظام نوین کیفری، حمایت جامعه را از افراد یک ضرورت می‌داند و به دنبال این است که جایگزین‌هایی برای کیفر بیابد.

حقوق کیفری ناچار است که، برای موفقیت خود از یک سیاست جنایی صحیح تبعیت کند، زیرا، حفظ امنیت همواره در رأس برنامه‌های اجرایی حیات حاکم است و متکی بر دو خط‌مشی مهم و کلی است؛ یکی حفظ اصول کلاسیک سیستم کیفری به معنی تدوین قوانین جزایی و مجازات مجرمین و دیگری اجرای برنامه‌های خاص اجتماعی برای از بین بردن عوامل جرم‌زا و خلاصه همه ابزارهایی که عدالت اجتماعی را بهتر تأمین کند، قانون‌گذار در راستای همین فکر، با توجه به کلیه اوضاع و احوالی که به نحوی در تحقق این آرمان دخالت دارند، دست به تدوین مجازات اسلامی زده است.

### باز بودن دست قاضی برای مجازات

مقنن به‌طور کلی، اعمالی را جرم دانسته و برای آن‌ها نیز مجازاتی، بین حداقل و حداکثر در نظر گرفته است، در کنار این قاعده، مقنن قاضی را مختار کرده است که در اوضاع و احوالی خاص، حتی از حداقل مجازات هم تجاوز کند و آن را تنزیل دهد؛ اما، ممکن است این امر نقض غرض به نظر برسد. شاید مقنن می‌توانست حد کمتری برای مجازات در نظر بگیرد؛ اما؛ باید دید این سیاست جنایی چه هدفی را دنبال می‌کند؟ تأمین بهتر عدالت، معالجه مجرم، ضرورت اجتماعی، خصوصیت عمل یا خصوصیت مرتکب.

عجز مقنن از پیش‌بینی تمامی حالات، اوضاع و احوال و تعیین مجازات برای هر یک از آن‌ها، دخالت و تأثیر قاضی و نقش وجدان او در تشخیص غیرعادلانه بودن مجازات و... همه این جهات می‌توانند وجود این قاعده را توجیه کنند.

### تناسب کیفر و جرم

فکر متناسب کردن کیفر با جرم، نخستین بار به دنبال اشکالات عملی ناشی از اجرای قوانین نشأت گرفته از عقاید مکاتب کلاسیک<sup>۵۲</sup> مطرح شد و با پیدایش نئوکلاسیک‌ها<sup>۵۳</sup>، شدت گرفت. موافقان با این طرز تفکر در انتقاد به مکتب کلاسیک که مجازات ثابت و بدون حداقل و حداکثر را بهترین نوع مجازات برای مرتکبین جرائم واحد معرفی می‌کرد و این را بهترین راه اجرای عدالت می‌دانست، اعلام داشتند که تنها وجه مشترک بین مجرمان همان عمل مجرمانه و بزه ارتكابی آنها است و دیگر هیچ‌گونه شباهتی بین مجرمان وجود ندارد. به این ترتیب، در تعیین مجازات باید حالات و احوال و روحیات مجرم و شرایط ارتكاب جرم مورد بررسی قرار گیرد.

بود مکتب کلاسیک آدام اسمیت و مکتب کلاسیک علم اقتصاد مکتب کلاسیک، بر اساس فلسفه اصالت فرد در امور اقتصادی، در سال ۱۷۷۶ در انگلستان بنیان نهاده شد. بنیان‌گذار<sup>۵۲</sup> دانشمند اسکانلندی‌الاصل انگلیسی در (۱۷۹۰-۱۷۲۳) آدام اسمیت، (نظریه لیبرالیسم اقتصادی)، بر اساس فلسفه اصالت فرد در امور اقتصادی، در سال ۱۷۷۶ در انگلستان بنیان نهاده شد و مکتب کلاسیک شناخته شد. کتاب اسمیت علم اقتصاد این سال کتاب معروف خود را تحت عنوان ((پژوهشی درباره ماهیت و علل ثروت ملل)) انتشار داد. با این کتاب، او به‌عنوان بنیان‌گذار جامع‌ترین کتابی بود که تا آن زمان راجع به سازمان‌های اقتصادی نوشته می‌شد و ضمناً اولین کتابی بود که در قرن هیجدهم با روشی نو و بنیانی علمی در علم اقتصاد نگاشته می‌شد. در را پایه‌گذاری کردند و مکتب جدید مکتب نئوکلاسیک لئون والراس، هر سه با تاکید بر اهمیت و اصالت مطلوبیت، و کارل منگر ویلیام استانی جونز، سال ۱۸۷۱ با ظهور اقتصاددانانی مثل: دیگری به اقتصاد ارائه گردید.

مکتب نئوکلاسیک یا مازینالیسم، یکی از مکاتب اقتصادی است که با پایه‌قرار دادن نظریات کلاسیک‌ها، اقتصاد را از سطح کلان به سطح خرد کشید و رفتار فرد و بنگاه تولیدی را مورد<sup>۵۳</sup> تجزیه و تحلیل قرار داد؛ از طرف دیگر هر دو طرف عرضه و تقاضا را در تجزیه و تحلیل اقتصادی داخل کرد.

## تحول در مجازات

تعیین حداقل و حداکثر برای مجازات و نیز اعمال کیفیات مخفف، از پیشنهاد‌های منتقدین مکتب کلاسیک بوده و بعد با پیدایش مکتب نئوکلاسیک و سپس مکاتب تحقیقی<sup>۵۴</sup> و دفاع اجتماعی جدید<sup>۵۵</sup> و قوت گرفتن فکر و ایده فکری کردن مجازات، حالات مختلف مجرم به هنگام ارتکاب جرم زیر ذره‌بین رفت تا مجازات هرچه بیشتر باشخصیت مجرم متناسب شود و در پاره‌ای موارد اجرای عدالت<sup>۵۶</sup> ایجاب می‌کرد که مجازات از حداقل پیش‌بینی شده در قانون نیز کمتر باشد. به این ترتیب کیفیات مخفف کم‌کم در قوانین جزایی بسیاری از کشورهای جهان جای خود را باز کرد.

خلاصه اینکه از زمان مجازات انتقام‌جویانه، سرکوبگرانه و ثابت تا بیان حداقل و حداکثر مجازات و اعمال کیفیات مخففه و تجاوز از حداقل مجازات و نیز تبدیل و جانشین کردن مجازات، دوران طولانی سپری شده و آرا و عقاید گوناگونی بیان شده است و بحث و جدل و مخالفت‌های زیادی را در راستای اصل فردی کردن مجازات<sup>۵۷</sup>، به همراه داشته است که به آسانی به‌دقت نیامده است. برخی از مجریان اصلاح‌پذیرند، تغییر اندیشه‌های حقوق جزایی در سال‌های اخیر و به‌خصوص توجه به شخص مجرم به‌عنوان فردی که دست‌خوش جبرهای پیچیده اجتماعی و فردی است، باعث شده است که مجرم به‌عنوان انسانی نیازمند به کمک و راهنمایی مورد توجه قرار گیرد.

بسیاری از مجرمان، غالباً بی‌آنکه خود به شکلی مصمم بخواهند، در مسیر فعل مجرمانه<sup>۵۸</sup> قرار می‌گیرند، این امر موجب آن شده است که هیولایی که در طی قرون از بزهکار ساخته و پرداخته شده است، تغییر شکل دهد. این چرخش سریع تفکر، تنها ناشی از ضرورت توجه به انسان است که بی‌تردید در هیچ برهه از زمان نباید به دست فراموشی سپرده شود، درعین‌حال، بعد اجتماعی اندیشه‌های حقوق جزایی و اعمال سیاست‌های کیفری دقیق، علمی و منطبق با نیازهای جوامع در حال تغییر امروزی نیز، در این تحول، نقش اساسی داشته است. به این دلیل به هنگام برخورد با مجرم و جرم ارتكابی، کوشش می‌شود از سویی به شخص بزهکار توجه شود و در جای خود به او لطف و مرحمت می‌شود.

لذا، با این رویکرد به او فرصت داده می‌شود که به جامعه بازگردد و زندگی خویش را به روال عادی بازگرداند و از سویی دیگر جامعه در مصونیت از تهاجم جرم قرار گیرد. این برخورد علمی عاطفی، موجب شده است که قانون‌گذار اختیارات وسیعی به دادگاه‌ها اعطاء کند تا مراجع رسیدگی بتوانند در جهات یادشده، از کیفیات مخففه<sup>۵۹</sup> سود ببرند، مجازات را معلق کنند و یا با اعطای آزادی مشروط<sup>۶۰</sup> در یاری بزهکار بکوشند و در دفاع اجتماع موفق شوند؛ هم‌چنان که از اقدامات تامینی و تربیتی نیز در جهت اصلاح بزهکاران یاری می‌گیرند.

مختار ارتکاب جرم در مجرم می‌گوید مکتب در رفتار انسان‌ها و بزهکاران است. این جبر بوده و به معنای مکتبی است که معتقد به علم حقوق از اصطلاحات به کار رفته در مکتب تحقیقی<sup>۵۴</sup> مثل نقص بدنی و روانی، آب جرم بزهکاری، علل ارتکاب نبوده و متأثر از عوامل زیستی یا روانی یا اجتماعی است. برخی مباحث در مورد مبانی فکری این مکتب عبارتند از: جبری بودن پدیده این مکتب از جهات مختلفی مورد نقد. دفاع اجتماعی بر اساس تامین مجازات و هوا و فصول و شرایط شهرها، طبقه‌بندی مجرمین به مواردی چون مجرمین مادرزاد و مجرمین دیوانه و فلسفه بزهکار اختیار منتقدان قرار گرفته از جمله: از جهت طبقه‌بندی مجرمین و از جهت نفی

و نظام متناسبی قانون اصل قانونی بودن، حاکمیت را حفظ کرد، حقوق کیفری بوده و معتقد است که باید چهارچوب علم حقوق از اصطلاحات به کار رفته در مکتب دفاع اجتماعی نوین<sup>۵۵</sup> نامعین احکام قضایی و صدور جرم افراد نقش خود را ایفاء کند؛ بنابراین، این مکتب موافق اعمال تدابیر پیش از ارتکاب حقوق ضامن به عنوان حافظ و قاضی محفوظ بماند و آیین دادرسی از کنار گذاشته شوند نظریه جرم محال علم به قانون، طرد انگیزه و اماره (بدون مدت مشخص) به وسیله قاضی نیست و می‌گوید باید برخی از فروض قانونی مانند:

<sup>1</sup> justice.

<sup>2</sup> Personalization of punishment.

<sup>3</sup> Criminal act

<sup>4</sup> Abbreviated qualities

<sup>1</sup> Conditional release

از طرف دیگر به جرات می‌توان گفت که دسترسی به عدالت، یکی از مهمترین انگیزه‌هایی است که از دیرباز بشر را به قبول محدودیت‌های اجتماعی و مجازات ناشی از ارتکاب جرم وادار کرده است.

### وظیفه حقوق جزایی

با طرح بحث‌های پیشین با ید اذعان نمود، وظیفه حقوق جزایی، تشخیص رفتاری که باید مجرمانه تلقی شود و تلاش در جهت کاستن از چنین اقداماتی است، با این حال در این راه، محدودیت‌های شدیدی وجود دارد. اولین محدودیت آن است که، در یک جامعه متمدن باید مجازات‌های خشن و وحشیانه غیرمجاز شناخته شود. این موضوع در مورد مجازات‌های بدنی<sup>۶۱</sup> صادق است، جامعه‌ای که به خشونت واضح و کنترل شده علیه مجرمین متوسل می‌شود، خود را تا حد آنان کاهش می‌دهد. خشونت را نباید با خشونت پاسخ داد، این کار تنها یک قدرت‌نمایی است و خلاف ادعای اخلاقی حقوق جزایی.

محدودیت دوم و مشکل فراتر به چگونگی تقسیم مجازات مربوط می‌شود. حقوق جزایی در انجام وظیفه خود باید به صورت عادلانه و منصفانه اجرا شود، به گونه‌ای که بتواند احترام عمومی را جلب کند. یعنی باید عملی که جرم شناخته می‌شود و نیز ساختار و تعاریف حقوق جزایی و محدوده و میزان مجازات، توسط اکثریت مردم پذیرفته شود. هیچ مجازاتی نباید تعیین و تحمیل شود؛ مگر اینکه استحقاق تحمل آن وجود داشته باشد. تا جایی که اگر در تحقق اهداف حقوق جزایی، شکست خوردیم، شکست متضمن بی‌عدالتی نباشد. به عبارت دیگر، وظیفه حقوق جزایی و مجازات، کاستن از جرم است؛ اما، انسان تا آن حد، حق مجازات مجرم خاصی را دارد که، مستحق آن باشد.

بنابراین در حقوق جزایی، به دنبال اجرای مجازات، اهدافی تعقیب می‌شود و در این میان هدف اصلاح و تربیت بزهکار، تأمین عدالت و تعیین مجازات شایسته و جلوگیری از وقوع جرائم دیگر، از اهمیت بسزایی برخوردار است. یکی از راه‌های نیل به این هدف نیز، تناسب مجازات با شرایط ارتکاب و شخصیت بزهکاران است و اعمال کیفیت مخففه در جهت تحقق همین امر است.

۶۲

### گفتار سوم: اصل ضروری بودن مجازات

انسان بالاجبار باید در اجتماع زندگی کند و این متضمن رعایت نظم عمومی است که با پیش‌بینی رفتارهای مغایر با نظم عمومی می‌توان نظم را برقرار کرد.

دلیل منطقی این امر آن است که انسان به حکم غریزه مجبور به زندگی در اجتماع است و زندگی در اجتماع لازم دارد که مقررات اجتماعی مورد رعایت قرار گیرد و عملی برخلاف نظم اجتماعی اعلام شود تا افراد بدانند چه اعمالی مخل نظم اجتماعی است.

رعایت آزادی‌های فردی<sup>۶۳</sup>، همان‌طور که فرد مجبور به رعایت نظم عمومی است، خود فرد نیز دارای حقوق و آزادی‌هایی است که جامعه باید آن را محترم شمارد، رعایت نفع جامعه: چون افراد بدون نگرانی و تردید به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی

2 Corporal punishment

نخستین روزنامه حقوقی و قضایی کشور، ۱۳۹۳/۴/۲۵ و پایگاه اینترنتی: جهت مطالعه بیشتر: رک.به: روزنامه حمایت؛<sup>۶۲</sup>

می‌پردازند و این امر موجب پیشرفت صنعتی، فنی و رونق اقتصادی می‌شود، تقسیم وظایف: قوای مقننه و قضائیه که وضع قانون و تفسیر آن بر عهده مقننه و اجرای قوانین با قضائیه می‌باشد<sup>64</sup>.

### یقینی بودن و قاطعیت مجازات

هنگامی که دادرسی جزایی خاتمه یافت و حکم قضایی درباره مجرم صادر شد، دیگر نباید راهی برای تجدیدنظر و تغییر مجازات وجود داشته باشد. با این خصیصه، مجازات از اقدامات تأمینی و تربیتی قابل تمییز است. بر مبنای اصول دیالکتیک<sup>65</sup> هر چه درجه قطعیت مجازات بیشتر باشد امنیت<sup>66</sup> موجود در جامعه نیز افزایش خواهد یافت. در همین راستا چنانچه میزان درجه قطعی بودن مجازات را بتوان افزایش داد می‌توان به همان تناسب از میزان مجازات کاست.

### فواید مجازات

یکی از فواید مجازات از نظر قرآن کریم، در آیات ۵۵ تا ۵۷ سوره انفال در قرآن کریم آمده است و خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید:

«ان شر الدواب عندالله الذین کفروا فهم لایؤمنون» الذین عاهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره و هم لایتقون\* فاما تثقفنهم فی الحرب فشرذ بهم من خلفهم لعلهم یدکرون».

((بی تردید، بدترین جنبندگان نزد خداوند، کسانی هستند که کافر شدند پس آن‌ها ایمان نمی‌آورند. همان کسانی که از ایشان پیمان گرفتی، ولی هر بار پیمان خود را می‌شکنند و هیچ پروا نمی‌کنند. پس اگر در جنگ بر آن‌ها دست یافتی، کسانی را که پشت سر آن‌ها هستند، متفرق ساز، باشد که عبرت گیرند.

پروردگار در این آیات می‌فرماید: ((اگر در جنگ به چنین موجوداتی که گفتیم پست‌ترین جنبنده‌ها هستند رسیدی، یعنی اگر بر اینها پیروز و مسلط شدی، کاری کن که آن جماعتی را که پشت سر اینها قرار گرفته‌اند و می‌خواهند راه اینها را بروند، مشرد<sup>67</sup> و پراکنده کنی. با اینها کاری بکن که اسباب عبرت آنها بشود. شاید، آنها متذکر بشوند و دیگر مثل اینها این‌طور از انسانیت خارج نشوند)).

این سه آیه عجیب است، ابتدا، مقدمه‌ای می‌چیند که بدترین جنبنده‌ها چه کسانی هستند. بعد، برای اینها صفتی ذکر می‌کند در سقوط انسانیتشان. بعد، فتوا و اجازه می‌دهد که اینها را از بین ببر، ولی به این از بین بردن، حالت انتقامی نمی‌دهد که عقده دلت را خالی کن.

اساساً مجازات، دو فلسفه می‌تواند داشته باشد: یک فلسفه روانی و آن اینکه کسی که جنایت بر او وارد شده و عقده روانی پیدا کرده است، تشفی‌خاطری پیدا کند؛ ولی از این مهم‌تر اصلاح اجتماع است. در واقع مجازات مجرم، عبرت است برای دیگران.

قرآن به جنبه عبرتش توجه می‌کند و می‌گوید: حالا که چنین‌اند، این موجودات پست‌تر از حیوان را، از میان ببر. با آن‌ها کاری کن که عبرت دیگران بشود.

<sup>64</sup> <https://ius.center> شبکه اجتماعی حقوقدانان؛ اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در فقه و حقوق<sup>64</sup>.

4 dialectic

5 Security

<sup>67</sup> (مشرّد) به معنای آواره، رانده شده، اخراج شده، تبعید شده، بی‌پناه، بی‌خانمان، مشتت، پراکنده، پخش می‌گردد (مشرّد) کلمه اصلها الاسم : مُشَرَّدٌ<sup>67</sup> باشد.

### فایده اجتماعی مجازات

با توجه به اینکه نظم اجتماعی<sup>۶۸</sup> با ارتکاب جرم مختل شده است، باید کیفی برای آن پیش‌بینی کرد؛ اما، این مجازات باید اولاً؛ فردی و ثانیاً حتمی و یقینی باشد تا فایده‌ای از آن عاید اجتماع شود. نتایج افکار بکاریا: قانون‌گذار را به حذف مجازات شدید فرامی‌خواند و به خصوص کیفر اعدام را در مورد جرائم عمومی<sup>۶۹</sup> مورد حمله قرار می‌دهد؛ ولی در جرائم سیاسی<sup>۷۰</sup> آن را می‌پذیرد؛ بنابراین، به نظر بکاریا مجازات اعدام، حق نیست؛ بلکه ستیز ملتی است علیه بزهکار به دلیل اینکه ملت نابودی او را ضروری می‌داند و چون به جلوگیری از ارتکاب جرم اهمیت می‌دهد، اصلاح قوانین جزایی را پیشنهاد می‌کند. به علاوه قبول حق عفو<sup>۷۱</sup>، الغای شکنجه، محدود کردن قدرت قضاوت را لازم می‌داند و در ضمن مجازات‌ها باید صریح و روشن بوده و به اطلاع عموم برسد و در واقع او از اولین کسانی بود که، به ضرورت سودمندی مجازات‌ها نظر داشت<sup>۷۲</sup>.

### فایده فرهنگی و آموزشی مجازات

فرهنگ راه و روش زندگی است که، افراد یک جامعه همه با هم آن را فرا گرفته‌اند و در پیروی از آن سهیم و شریک هستند؛ پس جامعه یعنی؛ مردم و فرهنگ یعنی؛ رفتار مردم.<sup>۷۳</sup> به‌طور کلی این معقوله در قالب: ((عقلانی رفتار کردن - دور اندیشیدن - حسابگر بودن - خروج از غفلت نفسانی - حالت توجه و بیداری - اصلاحی اخلاقی - اصلاح نظام فکری و اعتقادی - پرهیز از معاشرت‌های زیان‌بار - حصول حالت)) تقوا نمود پیدا می‌نماید.

### هدف مجازات

به‌طور کلی اهدافی برای مجازات پیش‌بینی شده که به صورت اجمالی به شرح ذیل می‌باشد:

### سزا دادن

یکی از نقش‌های واکنش اجتماعی<sup>۷۴</sup> علیه جرم و بزهکاری که بر اثر اندیشه عدالت‌گستری در اذهان عمومی به وجود آمده، این است که، مجازات اثر عمل مجرمانه و مکافات عملی است که بزهکار به جبران تقصیری که مرتکب شده است، مستحق آن است زیرا؛ عدالت اقتضاء می‌کند که هیچ کار زشت یا عمل مجرمانه‌ای بی‌پاسخ نماند. اندیشه سزا دادن برای تحمیل مجازات بر بزهکار به‌اندازه صدمه‌ای که از ناحیه مرتکب به مجنی علیه وارد شده است، قدیمی‌ترین هدف مجازات است که از پیشینیان به‌جای مانده است و امروزه این هدف در اجرای مجازات مورد نظر است و در

1 social order

2 General crimes.

3 Political crimes

4 The right to pardon

<sup>73</sup> <http://www.old.nlai.ir> جهت مطالعه بیشتر : رک.به: پایگاه اینترنتی:

1 Social reaction

نظام‌های کیفری این امر تعقیب می‌شود: به عنوان مثال: مجازات اعدام؛ نمونه‌ای از این طرز تلقی از مجازات به هدف سزا دادن است.<sup>۷۵</sup>

### ترساندن

یکی از دلایلی که قانون‌گذار در انتخاب مجازات، به نوع شدت و ضعف آن توجه دارد؛ ایجاد رعب و هراس در مجرمین بالقوه<sup>۷۶</sup> است، همین ویژگی راهنمای قانون‌گذار در تشدید مجازات اعمالی است که بیشترین اختلال را در نظم اجتماعی پدید می‌آورد و مایه تشویش اذهان عمومی<sup>۷۷</sup> است، قانون‌گذار، با این تصور که ترس از مجازات سنگین ممکن است بزهکاران احتمالی را از اندیشه شروانه منصرف گرداند، با اجرای آن امیدوار است، درس عبرتی به آن داده باشد، بازدارندگی مجازات؛ ممکن است عمومی یا اختصاصی باشد، ایجاد ترس در توده مردم و در نتیجه بازداشتن آنان از ارتکاب جرم در روزگار ما محل تردید است و دست‌کم به عوامل اجتماعی متعددی بستگی دارد، پیشگیری عمومی<sup>۷۸</sup>، زمانی با ارباب دیگران حاصل می‌شود که اوضاع اجتماعی و فرهنگی تحقق آن را ممکن سازد از: جمله اینکه؛ عدالت کیفری همواره باید صحت و مشروعیت خود را به اثبات برساند، به عبارت دیگر اینکه، این اعتقاد که مجازات درباره عموم مردم یکسان به اجرا درمی‌آید و جامعه از خطای هیچ‌کسی بی‌دلیل چشم‌پوشی نمی‌کند، در اذهان مردم رسوخ کند و گرنه ترس از مجازات نه‌تنها تأثیری بر اندیشه‌های سوء مجرمان نخواهد داشت؛ بلکه تبعیض اجتماعی، آنان را به درستی اعمال مجرمانه خود، قانع خواهد کرد.<sup>۷۹</sup>

### سودمندی

اندیشه کیفری حمایت از منافع جامعه نیز، یکی از هدف‌های عمومی مجازات است. منظور از سودمندی مجازات این است که، جامعه برای جلوگیری از ارتکاب جرم با اجرای مجازات علاوه بر پیشگیری عمومی انتظار دارد که با پیشگیری فردی؛ یعنی بزهکار با تحمل کیفر از ارتکاب جرم در آینده خودداری نماید. این تفکر که مجازات عامل سودمند و بازدارنده‌ای است، یک اندیشه قدیمی است که بعضی آن را به افلاطون<sup>۸۰</sup> نسبت داده‌اند؛ زیرا؛ افلاطون معتقد بود که هر کسی که کیفر می‌بیند خود نیز از آن کیفر سود می‌برد و از کرده خود پشیمان می‌شود، یا آنکه، مایه عبرت دیگران می‌شود.<sup>۸۱</sup>

### نقش اصلاحی

نقش اصلاحی مجازات، همواره از دیرباز مورد توجه صاحب‌نظران و قانون‌گذاران قرار گرفته است. در قدیم، این تصور وجود داشت که آثار ناشی از اجرا مجازات که بر بزهکار تحمیل می‌شود چه‌بسا باعث تغییر رفتار او در آینده شود و همین امر موجب اصلاح او گردد، بنابراین؛ یکی دیگر از هدف‌های عمومی مجازات، جنبه‌های اصلاحی آن بود؛ اما؛ با پیدایش و رونق گرفتن علوم انسانی

<sup>۷۵</sup> ولیدی، محمد صالح؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی؛ ص ۵۳.

<sup>3</sup> Potential offenders.

<sup>4</sup> Disturbing public opinion

<sup>5</sup> General prevention

<sup>۷۹</sup> اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، ص ۱۲۹.

<sup>۸۰</sup> ۲ لطفی، محمدحسن و کاویانی، رضا؛ ترجمه آثار افلاطون، ج ۱، ص ۱۵۴.

<sup>3</sup> platon.



به‌ویژه دانش روان‌شناسی و تحقیقات این رشته درباره کج‌روی<sup>۸۲</sup> و عدم انطباق و ناسازگاری بعضی افراد با رفتار موردقبول جامعه که ممکن است مرتکب اعمالی شوند که از نظر حقوق کیفری جرم و قابل مجازات باشد و از دیدگاه روانشناسی کیفری مجازات حبس درباره مجرم و نگهداری آنان در زندان چنان چه توأم با جنبه‌های تربیتی اصلاحی نباشد، تأثیر چندانی در سازگاری بزهکاران که، به علت مشکلات روانی قادر نیستند خود را با انتظارات و خواسته‌های جامعه تطبیق دهند ندارد، بدین لحاظ، مراجع کیفری در عصر حاضر با اعمال سیاست جنایی قضایی از طریق نهادهای تخفیف مجازات یا تعلیق مجازات و غیره سعی می‌کنند، آثار زیان‌بار مجازات حبس را کاهش دهند.<sup>۸۳</sup>

## تاریخچه تقنینی

### پیش از اسلام:

در بررسی سیر تحولات تاریخی از مهمترین متون حقوقی که رعایت حقوق انسانها نیز در آن مشهود است استوانه کوروش یا همان منشور کوروش پادشاه هخامنشی است که یکی از مترقی‌ترین قوانین در دوران خود و از طرفی از سوی بسیاری از اندیشمندان و مورخین به عنوان نخستین منشور حقوق بشر شناخته می‌شود، لذا؛ آنچه کوروش در مورد عدم تحمیل سلطنت خود گفته با اصل حق تعیین سرنوشت که از مهم‌ترین موارد میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی است هم کاملاً مطابقت دارد چنانچه به بررسی متون منشور می‌پردازیم حق خواهی، دادخواهی و عدالت طلبی در متون آن به چشم می‌خورد که به عنوان نمونه با توجه به عنوان مقاله متن منشور به شرح: ((من تا روزی که پادشاه ایران و بابل و کشورهای چهار اربعه هستم، نخواهم گذاشت کسی به دیگری ظلم کند و اگر شخصی مظلوم واقع شد، من حق وی را از ظالم خواهم گرفت و به او خواهم داد و ستمگر را مجازات خواهم کرد و من اعلام می‌کنم که هر کس مسؤول اعمال خود می‌باشد و هیچ کس را نباید به مناسبت تقصیری که یکی از خویشاوندانش کرده، وی را مجازات کرد، مجازات برادر گناهکار و برعکس، به کلی ممنوع است و اگر یک فرد از خانواده یا طایفه ای مرتکب تقصیر می‌شود، فقط مقصر باید مجازات گردد، نه دیگران.)). در دوران خود اوج عدالت محوری و رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات و به تبع آن کیفیت، نحوه، اجرا و تخفیف مجازات است.

### صدر اسلام:

تقنین به معنی قانونگذاران و قانونگذاری است. یکی از اسنادی که مایه تفاخر کلیه مسلمانان جهان محسوب می‌شود، قراردادی است که در اولین سال هجرت رسول اکرم (ص) به مدینه، توسط آن بزرگوار تنظیم شده و ضمن آنکه نخستین قانون اساسی مدون جهان به شمار می‌آید، حکم یک نوع بیمه اجتماعی برای نیازمندان آن شهر را نیز داشته است. این سند را که توسط یک مورخ آلمانی کشف و شناسایی شده برخی از اساتید حقوق<sup>۸۴</sup> به انگلیسی برگردانده و طی مقاله ای اعتبارش را اثبات کرده اند.<sup>۸۵</sup>

۸۲. کج‌روی را می‌توان ناهم‌نوایی با هنجار یا مجموعه هنجارهای معینی تعریف کرد که توسط تعداد قابل ملاحظه ای از مردم در اجتماع یا جامعه ای پذیرفته شده است.

۸۳. ولیدی، محمد صالح؛ بایسته های حقوق جزای عمومی؛ ص ۵۴.

۸۴. پروفیسور حمید الله.

۸۵. پروفیسور حمیدالله؛ (نشریه گلستان قرآن)، شماره ۸۳، که در فاصله سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۸ ضمن کنفرانسهای متعدد در دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی استانبول کوشیده در حد امکان به

ارزیابی سند بپردازد.

با این حال در پاسخ به کسانی که صحت سند و اعتبار آن را پذیرفته؛ اما، معتقدند با همه اهمیتی که دارد نمی‌تواند اولین نمونه از نوع خود در جهان باشد، اظهار داشته است: نوشته سولون در شهر آتن را نمی‌توان قانونی مدون به شمار آورد، زیرا؛ سولون منصب فرمانروایی یا پادشاهی نداشت؛ بلکه عضوی از هیأت حاکمه یونان بود که تغییراتی در قانون کشور را مطرح ساخت و پیشنهادش مورد موافقت قرار گرفت؛ درحالی‌که هیچ مدرکی وجود ندارد که ثابت کند آن تغییرات مکتوب شده است. پروفیسور حمیدالله، به مجموع قوانین بازمانده از دنیای قدیم، یا قوانینی که نام و مشخصات آنها به روزگار ما رسیده، اشاره کرده و نوشته است: از میان آن‌همه نوشته، فقط رساله ارسطو که در روزگار معاصر کشف شده و در سال ۱۸۹۱ به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر شد باقیمانده، که آن هم به صورت نصیحت نامه ای برای امرا و شاهزادگان، یا به شکل مباحث تاریخی است و نمی‌تواند به عنوان قانونی دولتی تلقی شود که توسط هیأت حاکمه ای تنظیم شده است.

در اولین سال هجرت، پیامبر اسلام (ص)، طرحی تهیه فرمود که در آن از وظایف، حقوق و تعهدات حاکم و نیز سایر احتیاجات اولیه نیازمندان بحث شده بود، این سند که متن کامل آن در منابع معتبرمانند: سیره ابن اسحاق آمده است، شامل: ۵۲ ماده و نمونه بسیار خوبی از زبان قضایی، حقوقی و شیوه نگارش در زمان تنظیم سند است و به نظر می‌رسد، مسیحیان اروپایی اهمیت آن را بیشتر از مورخان مسلمان درک کرده اند؛ زیرا، بسیاری از محققان آلمانی، هلندی، ایتالیایی و انگلیسی نظیر ویلموزن، مولر، گریم، اشپرنگر، ونسینگ، کیتانی، بوهل و... ضمن آثارشان به آن استناد کرده اند.

### در دوران مشروطه

نخستین قانون اساسی در ایران، قانون اساسی مشروطه بود که در ۸ دی ۱۲۸۵ شمسی (۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ قمری) به امضای مظفرالدین‌شاه رسید. مظفرالدین شاه قاجار در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی (۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ قمری) فرمان مشروطیت را امضاء کرد، ریشه انقلاب مشروطه شاید در انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمانچای باشد؛ اما، شروع قطعی ماجرا بعد از به چوب بستن بازرگانان به جرم گران کردن قند و چاپ عکس «مسیو نوز» بلژیکی در لباس روحانیون بود که اعتراض مردم و روحانی‌ها را در پی داشت.

### تخفیف مجازات در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲

بحث تخفیف مجازات در سیستم قضایی ایران با تصویب قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ برای اولین بار مورد توجه قانون‌گذار سیستم قضایی ایران قرار گرفته است در این قانون قانون‌گذار مواد ۴۳ تا ۴۶ را به تخفیف مجازات اختصاص داده بود که به دلیل نسخ مقررات مذکور از بررسی دقیق آن خودداری و به ذکر مواد مربوطه در ارتباط با تخفیف مجازات اکتفا می‌کنیم<sup>۸۶</sup>

ماده ۴۳- هیچ جنایت یا جنحه را نمی‌توان عفو نمود و یا مجازات آن را تخفیف داد مگر در مواردی که قانون آن را قابل عفو دانسته یا در مجازات آن تخفیفی داده است.

ماده ۴۴- در مورد جنایات در صورتی که که مطابق این قانون اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف مجازات باشد هیئت حاکمه می‌تواند مجازات جنایی را به طریق ذیل تخفیف دهد:

۸۶- آزمایش، علی، رویه قضایی در امر تخفیف کیفر، ماهنامه قضایی ۱۳۴۹، سال پنجم، شماره ۵۵ تا ۵۹، ۸۶

- ۱- اعدام به حبس دائم یا موقت با اعمال شاقه.<sup>۸۷</sup>
  - ۲- حبس دائم با اعمال شاقه به حبس موقت با اعمال شاقه یا به حبس مجرد.
  - ۳- حبس موقت با اعمال شاقه به حبس مجرد یا حبس تأدیبی کمتر از دو سال نباشد.
  - حبس مجرد به حبس تأدیبی که کمتر از شش ماه نباشد.
  - ۵- تبعید به اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین.
  - ۶- محرومیت از تمام حقوق اجتماعی یا بعض آن.
- در مورد جنحه اگر اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف باشد محکمه می‌تواند مجازات حبس تأدیبی را تا هشت روز تخفیف داده یا آن را تبدیل به غرامت نماید.
- ماده ۴۵ مکرر قانون مذکور که در تاریخ ۱۳۱۳/۳/۱۵ به تصویب رسیده بود چنین مقرر می‌داشت: در مورد تکرار یا تعدد جرم و همچنین در کلیه مواردی که مطابق قانون مجرم باید به حداکثر مجازات محکوم شود هرگاه محکمه موجبات تخفیف مجازات را موجود بداند می‌تواند مرتکب را به کمتر از حداکثر محکوم کند بدون اینکه بتواند مجازات را به کمتر از حداقل تنزیل دهد و هرگاه مجازات مقرر بدون حداقل و حداکثر باشد محکمه می‌تواند در مورد حکم اعدام و حبس دائم یک درجه و در سایر موارد فقط تا معادل یک ربع از میزان جزای اصل عمل را تخفیف دهد.
- ماده ۴۶- در حق مردانی که عمر آن‌ها متجاوز از شصت سال است و همچنین کلیه زن‌ها حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمی‌شود و مجازات آن‌ها به حبس مجرد تبدیل خواهد شد مگر اینکه حکم برای ارتکاب به قتل عمدی صادر شود.
- تخفیف مجازات در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲:
- در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ مادتهای ۴۵ و ۴۶ به تخفیف مجازات اختصاص داشت که در مقررات سابق تغییراتی ایجاد شد مواد مذکور عیناً نقل می‌شود:
- ماده ۴۵- در مورد جنحه و جنایت دادگاه در صورت احراز کیفیات مخففه می‌تواند مجازات را کمتر از میزانی که به موجب قانون باید حکم دهد به شرح ماده ۴۶ معین کند.
- کیفیات مخففه که ممکن است موجب تخفیف مجازات بشود علل و جهاتی است از قبیل:
- ۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی.
  - ۲- اظهارات و راهنمایی‌های متهم که در شناختن شرکا و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده مؤثر باشد.
  - ۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آن‌ها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.
  - ۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد.
  - ۵- وضع خاص شخص یا حسن سابقه متهم
  - ۶- اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.
- تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات و دلایل تخفیف مجازات را در احکام صریحاً قید کند.
- تبصره ۲- در مواردی که نظیر کیفیات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد دادگاه نمی‌تواند به موجب همان کیفیت دوباره مجازات متهم را تخفیف دهد.

- مواد ۷ تا ۱۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴.<sup>۸۷</sup>

۴۶- دادگاه می‌تواند در صورت وجود کیفیات مخففه مجازات جنحه و جنایت را به طریق زیر تخفیف دهد مگر اینکه در قانون خلاف آن مقرر شده باشد:

۱- اعدام به حبس دائم یا حبس جنایی در چه ۱. ۸۸

۲- حبس دائم به حبس جنایی در چه ۱ یا در چه ۲.

۳- حبس جنایی در چه ۱ به حبس جنایی در چه ۲ که بیش از سه سال نباشد یا حبس جنحه ای که کمتر از دو سال نباشد.

۴- حبس جنایی در چه ۲ به حبس جنحه ای که بیش از دو سال و کمتر از شش ماه نباشد.

۵- حبس جنحه ای تا حداقل حبس مزبور یا تا حداقل جزای نقدی.

تبصره ۱- در مورد جزای نقدی نسبی کیفیات مشدده و مخففه قابل‌اعمال نیست ولی در مورد جزای نقدی ثابت دادگاه می‌تواند در صورت وجود کیفیات مخففه جزای نقدی را اعم از اینکه توأم با حبس باشد یا نباشد تا نصف حداقل مقرر برای آن جرم و در صورتی که بدون حداقل و اکثر باشد تا نصف تقلیل دهد.

تبصره ۲- در صورتی که مرتکب قبلاً با استفاده از کیفیات مخففه به جزای نقدی محکوم شده باشد دادگاه نمی‌تواند مجدداً با رعایت تخفیف مجازات حبس او را به جزای نقدی تبدیل نماید مگر اینکه جرم ارتكابی قبلی غیرعمدی باشد.

در ارتباط با اعمال کیفیات مخففه در موارد تکرار و تعدد جرم که ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۱۳ که قبلاً ذکر گردید مقرراتی در ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ و تبصره ۳ آن و نیز بند «ح» ماده ۳۲ وضع شده بود که عیناً نقل می‌گردد.

ماده ۲۵- در مورد تکرار جرم به طریق زیر رفتار می‌شود:

اگر مجرم دارای سابقه محکومیت جنایی یا جنحه باشد و مرتکب جرم دیگری شود به بیش از حداکثر مجازات جرم جدید محکوم می‌شود بدون آنکه از یک و نیم برابر حداکثر مذکور تجاوز کند در صورت وجود کیفیات مخففه دادگاه نمی‌تواند مجازات مرتکب را کمتر از یک برابر و نیم حداقل مجازات جرم جدید تعیین کند.

در صورتی که جرم جدید نظیر یکی از جرائم سابق مجرم اعم از شروع و مباشرت و شرکت و معاونت در جرم باشد مجازات او به بیش از حداکثر مجازات جرم جدید خواهد بود بدون آنکه از دو برابر حداکثر مذکور تجاوز کند و در این مورد دادگاه نمی‌تواند با رعایت کیفیات مخففه مرتکب را به کمتر از دو برابر حداقل مجازات جرم جدید محکوم نماید مگر آنکه دو برابر حداقل بیش از حد اکثر مجازات باشد که در این صورت به حداکثر محکوم خواهد شد.

تبصره ۳ ماده مذکور نیز مقرر می‌داشت:

در صورتی که مجازات جرم جدید اعدام یا حبس ابد باشد دادگاه می‌تواند در صورت وجود کیفیات مخففه مجازات را یک درجه تخفیف دهد و در موردی که مجازات جرم جدید فاقد حداقل و اکثر باشد دادگاه با وجود کیفیات مخفف می‌تواند یک ربع از اصل مجازات حبس را تخفیف دهد.

بند «ح» ماده ۳۲ قانون مذکور در خصوص اعمال کیفیات مخففه در مورد تعدد جرم مقرر می‌داشت:

در صورت وجود کیفیات مخففه در مورد تعدد جرم به طریق زیر تعیین مجازات خواهد شد:

- مواد ۷ تا ۱۴ قانون مذکور قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲.<sup>88</sup>

۱- در مورد کسانی که تا سه جرم مشمول مقررات تعدد جرم مرتکب شده‌اند دادگاه می‌تواند مجازات را تا حداقل مجازات اصلی و اگر مجازات فاقد حداقل و اکثر باشد مجازات اصلی را تا نصف تقلیل دهد در هر صورت مجازات را نمی‌توان کمتر از ۶۱ روز حبس جنحه ای تعیین کرد.

۲- در مورد کسانی که بیش از سه جرم مشمول مقررات تعدد جرم مرتکب شده‌اند دادگاه می‌تواند مجازات را تا یک ونیم برابر حداقل مجازات اصل جرم تخفیف دهد و اگر مجازات فاقد حداقل و اکثر باشد می‌تواند یک چهارم آن را تخفیف دهد بدون اینکه در هیچ مورد از ۶۱ روز حبس جنحه ای کمتر باشد.

### تخفیف مجازات در قانون راجع به مجازات اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ قانون مجازات عمومی که در سال ۱۳۵۲ به تصویب رسیده بود تا سال ۱۳۶۱ اجرا می‌شد تا اینکه در این سال در راستای اسلامی شدن قوانین قانونی جدید با عنوان قانون راجع به مجازات اسلامی به تصویب رسید با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی قانون مجازات عمومی منسوخ شد از جمله تغییراتی که در این قانون صورت پذیرفت تقسیم‌بندی جرائم به حدود تعزیرات قصاص و دیات بود لذا، تقسیم‌بندی سابق که جرائم را به خلاف جنحه و جنات بود از بین رفت.

در قانون راجع به مجازات اسلامی انجام تخفیف تنها در تعزیرات قابل اعمال بود لذا انجام تخفیف در حدود با توجه به اینکه این جرائم در شرع مجازات ثابتی دارند امکان پذیر نیست.

ماده ۳۵ این قانون به موضوع تخفیف مجازات اختصاص داشت مطابق ماده مذکور:

در مورد تعزیرات دادگاه در صورت احراز کیفیات مخففه می‌تواند مجازات را تخفیف دهد کیفیات مخففه که ممکن است موجب تخفیف مجازات بشود علل و جهاتی است از قبیل:

۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی.

۲- اظهارات و راهنمایی‌های متهم که در شناختن شرکا و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده مؤثر باشد.

۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آن مرتکب جرم شده از قبیل رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد.

۵- وضع خاص شخص و یا سابقه متهم

۶- اقدامات یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات و دلایل تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند.

تبصره ۲- در مواردی که نظیر کیفیات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد دادگاه نمی‌تواند به موجب همان کیفیات دوباره مجازات را تخفیف دهد

تبصره ۳- در مورد تعدد جرم دادگاه می‌تواند علل مخففه را رعایت کند در خصوص ماده مذکور توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- تخفیف مجازات در ماده مذکور به جرائم تعزیری اختصاص دارد و در خصوص سایر جرائم مذکور در قانون راجع به مجازات اسلامی (حدود، قصاص، دیات) امکان تخفیف مجازات وجود ندارد.

۲- اعمال کیفیات مخففه در خصوص جرائم تعزیری از اختیارات دادگاه است.

۳- مصادیق کیفیات مخففه در ماده مذکور به صورت تمثیلی بیان شده نه حصری و امکان این وجود دارد که محکمه جهات دیگری نیز به عنوان علل مخففه مدنظر قرار دهد.

هرچند مطابق تبصره ۳ ماده ۳۵ اعمال کیفیات مخففه در خصوص تعدد جرم صریحاً مجاز شمرده شده لکن؛ در خصوص تکرار جرم حکمی مقرر نگردیده است ممکن است تصور شود که از مفهوم مخالف تبصره مذکور می توان ممنوعیت اعمال کیفیات مخففه در مورد تکرار جرم را استنباط نمود لکن به نظر ما این تصور صحیح نیست و حکم مسئله را از مفهوم مخالف تبصره مذکور نمی توان استنباط نمود. به تعبیر دیگر تبصره مذکور فاقد مفهوم مخالف است و با توجه به عدم تصریح ممنوعیت اعمال کیفیات مخففه در خصوص تکرار جرم اعمال کیفیات مخففه بلامانع است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و برگزاری اولین انتخابات که، منجر به تعیین نوع حکومت و تشکیل جمهوری اسلامی شد، بحث راجع به قانون اساسی نظام گسترش یافت، پیش نویس قانون اساسی که به دستور امام (ره) نگارش یافته و توسط شورای انقلاب و دولت موقت مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود، جهت جلب آراء و انظار مردم و اندیشمندان، در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۴ در روزنامه های کثیرالانتشار منتشر شد. با تأکید امام (ره) بر تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی جهت بررسی نهایی قانون اساسی، قانون انتخابات این مجلس تصویب شد و این انتخابات در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ برگزار شد و ۷۵ نفر نماینده این مجلس انتخاب شدند.

مجلس خبرگان قانون اساسی در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با پیام امام افتتاح گردید. این مجلس موفق شد با درایت و مدیریت شهید دکتر بهشتی پس از سه ماه تلاش و فعالیت بی وقفه، کار تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در ۲۴ آبان ۱۳۵۸، در دوازده فصل و ۱۷۵ اصل و یک مقدمه و مؤخره به انجام رساند و در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۱۲ به تصویب نهایی ملت ایران رسید. این قانون در سال ۱۳۶۸ مورد بازنگری قرار گرفت و در ۶ مرداد در همه پرسی قانون اساسی ایران در ۱۳۶۸ به تأیید اکثریت مردم ایران رسید.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد.

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه گری فردی یا گروهی نیست؛ بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم کیش و هم فکر است که به خود سازمان می دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید، با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تضمین گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر پایه احکام نورانی دین اسلام تدوین شده است، یکی از مترقی ترین قوانین جهان و به عنوان میثاق ملی، پیش روی ما قرار دارد.

### تخفیف مجازات در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری

همان طوری که طبق ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی گفتیم در جرائم تعزیری اعمال کیفیات مخففه بدون هیچ گونه محدودیتی ممکن بود و دادگاه می توانست در صورت احراز جهات مخففه مجازات مرتکب را تا هر میزان که بخواهد تخفیف دهد یا اینکه آن را به مجازات دیگری تبدیل کند مقررات ماده مذکور تا سال ۱۳۶۷ در خصوص کلیه جرائم تعزیری لازم الاجرا بود تا اینکه در تاریخ ۱۵/۹/۱۳۶۷ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری به تصویب مجمع تشدید

مصلحت نظام رسید و محدودیت‌هایی در رابطه با اعمال ماده ۳۵ قانون مجازات در خصوص تخفیف مجازات در پاره‌ای از جرائم وضع نمود. تبصره ۱ قانون مذکور در تخفیف مجازات مرتکبین جرم کلاهبرداری چنین مقرر می‌دارد:

در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه دادگاه می‌تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفسال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمی‌تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد.

بنابراین مطابق تبصره مذکور دادگاه در صورت جهات مخففه صرفاً قادر است مجازات مرتکب را تا حداقل مجازات حبس تقلیل دهد ولی نمی‌تواند به کمتر از حداقل تقلیل دهد اما با توجه به این موضوع که اصولاً دادگاه می‌تواند بدون اعمال تخفیف، مجازات را از حداقل تا حداکثر مذکور در این ماده تعیین کند چنین نتیجه می‌گیریم که قانون‌گذار در این تبصره اصولاً اعمال تخفیف را ممنوع کرده است.

تبصره ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری در خصوص خریدوفروش موافقت اصولی یا سوءاستفاده از آن و یا تقلب در توزیع کالا چنین مقرر می‌دارد:

در موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ این قانون خواهد بود.

همچنین تبصره ۶ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری در خصوص بزه اختلاس چنین مقرر می‌دارد:

در کلیه موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به مورد حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم خواهد بود.

با عنایت به اینکه در تبصره مذکور عبارت «... بنا به مورد حداقل انفصال موقت یا دائم» قیدشده این سؤال مطرح می‌شود که آیا لفظ (حداقل) به انفصال دائم نیز مربوط می‌شود یا اینکه صرفاً به انفصال موقت اختصاص دارد؟

برخی بر این باورند که قانون‌گذار در خصوص انفصال دائم نیز حداقل قائل شده است، حداقل موردنظر در ماده ۵ قانون مذکور پنج سال انفصال است بدین توضیح که حداکثر انفصال موقت پیش‌بینی‌شده در تبصره ۲ ماده ۵ را به‌عنوان حداقل انفصال دائم محسوب می‌نمایند به نظر این‌جانب این عقیده صحیح نیست چراکه انفصال دائم مجازات ثابتی است و فرض وجود حداقل و حداکثر در آن وجود ندارد و ثانیاً عبارت «بنا به مورد» که در تبصره ۶ ماده ۵ بیان‌شده است ناظر به موارد مختلف انفصال موقت (شش ماه تا سه سال و یک تا پنج سال است) است که در ماده ۵ و تبصره‌های آن مقرر گردیده است و منظور از آن موارد مختلف انفصال موقت و انفصال دائم نیست و ثالثاً در تبصره ۱ ماده ۱ لفظ انفصال دائم استعمال شده است در صورتی که در ماده مذکور اصولاً انفصال موقت پیش‌بینی‌نشده است تا اینکه بخواهیم حداکثر مدت آن را حداقل انفصال دائم محسوب نماییم و نهایتاً قرینه دیگر این دیدگاه این است که در تبصره ۶ ماده ۵ قانون مذکور عبارت انفصال دائم به کمک لفظ یا از عبارت «حداقل انفصال موقت» تفکیک گردیده است.

### پس از انقلاب اسلامی و قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جنبش کلی در تغییر قوانین موجود به عمل آمد. اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باب قوانین چنین می‌گوید: ((کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی اقتصادی، اداری، فرهنگی نظامی، سیاسی و

غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد))، این فصاحت در بیان، ایجاب می‌نماید که پاره‌ای از قوانین اصلاح یا نسخ شوند، من جمله قانون مجازات عمومی سابق که با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۸ مرداد ۱۳۷۰ نسخ گردید، کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند، ملغی است.

طبق ماده ۱۲ این قانون مجازات‌های مقرر ۵ قسم است، شامل: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده. این تقسیم بندی بر اساس نظر فقها و موازین اسلامی تعیین شده که بیشتر جنبه حقوق جزای اختصاصی داشته و در باب کتاب القضاة، کتاب الشهادت، کتاب الحدود و غیره مورد بحث و بررسی اکثر فقهای اسلامی قرار گرفته است.<sup>۸۹</sup>

### بررسی در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ و پس از تصویب

قانون مجازات اسلامی جدید را باید نماد تبلور اصلاحاتی سازنده در حقوق جزای ایران دانست هر چند پس از گذشت قریب به ۸ سال از تصویب این قانون، همواره اشکالاتی به آن وارد است که ضرورت به بازنگری داشته اما؛ در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عنوان قانون موضوعه مجرا، در ماده ۱۴، مجازات‌های مقرر برای اشخاص حقیقی از پنج دسته به چهار دسته شامل: حد، قصاص، دیه و تعزیر تقسیم می‌شود و مجازات‌های بازدارنده از قانون حذف گردید.

علت حذف مجازات‌های بازدارنده از ردیف مجازات‌های مقرر در قانون اخیر به علت تغییر و تفسیرهای متفاوت و اختلاف نظر اکثر فقها و حقوقدانان مبنی بر تفکیک جرایم تعزیری از مجازات‌های بازدارنده می‌باشد که منجر به برداشت‌های مختلف گردیده بود.<sup>۹۰</sup>

با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری نیز در سال ۱۳۹۹ رویکرد مقنن متأثر از قوانین جزایی فرانسه به سمت تحولی اساسی و بنیادین پیش رفته و صیانت از اصل بازدارندگی مجازات حبس و تراکم‌زدایی از جمعیت کیفری زندان‌ها به صورت توأمان مد نظر مقنن قرار گرفته است چرا که در این بین علاوه بر درگیری‌های مشهود در جامعه و قواء دستگاه قضایی بنا به ماهیت تکالیف خود بیش از هر نهاد دیگر با چالش‌ها و معضلات ناشی از این معضل دست و پنجه نرم می‌کند واقعیت هم همین است که ساخت زندان و اداره آن و نگهداری زندانیان و استخدام و بکارگیری نیروی انسانی (اعم از اداری و ستادی و حفاظتی و امنیتی و ...) و پرداخت حقوق و مزایای آنها و ... هزینه‌های سنگینی بر بودجه عمومی کشور و به تبع آن ملت تحمیل می‌نماید.

از طرف دیگر زندان، تأثیر اندکی در اصلاح و تنبیه زندانی دارد و حتی در برخی موارد زندانیان تازه‌وارد، در زندان با تبهکاران حرفه‌ای و یا با جرائم و شگردهای متنوع‌تر و جدیدتر آشنا می‌شوند که منتهی به ایجاد باندها و گروه‌های تبهکاری سازمان‌یافته در زندان می‌گردد.

همچنین زندان صرفاً مجازات زندانی تلقی نمی‌شود بلکه عملاً به‌طور غیرمستقیم خانواده وی نیز به جهت فقر و بیکاری و غیره متحمل آسیب جدی می‌شوند. این نوع آسیب‌ها که به‌طور غیرمستقیم بر خانواده زندانی وارد می‌شوند یک نوع مجازات غیرمستقیم آن‌هاست که برخلاف اصل شخصی بودن مجازات‌ها می‌باشد.

<sup>۸۹</sup> جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، ص ۲۱۱.

<sup>۹۰</sup> شامباتی، هوشنگ؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۳، ص ۴۱.



## نتیجه‌گیری

مجازات، کیفیت و نحوه اجرای آن، تخفیف و نحوه اعمال آن همواره در ادوار مختلف مورد توجه و دستخوش تغییرات، اصلاحات متعدد و متکثری بوده است.

در سیر تاریخ تحولات کیفری، مجازات و تخفیف، مذاقه در اهداف مقنن بسیار حائز اهمیت است. لذا، منابع معتبر تاریخی قبل از دوران اسلام، دوره اسلامی و پس از اسلام حکایت از نگرش ویژه به این موضوع داشته که به عنوان مثال کتاب لمعه دمشقیه، شرح لمعه، شرایع الاسلام، جواهر الکلام و تحریرالوسیله، قوانین مجازات عمومی و مجازات اسلامی از مهمترین منابع تبیین و تفسیر مجازات، کیفیات اجرای اصول و قواعد مربوطه می‌باشد و با توجه به اصول قانونی بودن جرم و مجازات و اصل تناسب کیفر و جرم، اهداف مجازات و تخفیف آن در ادوار پیش از اسلام از جمله منشور کوروش یا استوانه کوروش و پس از اسلام نیز با رسالت پیامبر صدر اسلام، نزول دفعی و تدریجی قرآن، روایات و احادیث معتبری چون ((تدرالحدود بالشبهات)) می‌توان به توجه اساسی به این معقوله پی برد.

در دوران مشروطه نیز که به دلیل شرایط و صدور فرمان مشروطیت قانونگذاری در کشور توسعه یافته است، مجازات بنابه شرایط تعیین و اعمال شد.

پس از مشروطه تا قبل از انقلاب و در دوره پهلوی با تصویب قانون مجازات عمومی بحث تخفیف در مجازات به‌طور جدی مورد توجه مقنن قرار گرفت و پس از انقلاب تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مواد متعدد و متکثری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ بخش تعزیرات و برخی قوانین خاص را به خود اختصاص داده و به تخفیف در مجازات پرداخته شده است.

اوج تکامل و توجه ویژه به بزهکار و اعمال تخفیف مجازات با قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بود که با تخصیص موادی تا حد بسیار زیادی به سمت عدالت ترمیمی پیش رفت و در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹ علاوه بر تکمیل قانون اخیر رویکرد نوینی در قانونگذاری مجازات اسلامی ایران ایجاد و تحول بنیادین در بحث تخفیف مجازات اعمال و اجرا شد، نکته حائز اهمیت در تصویب قانون موصوف عدم رعایت چارچوبه خاص در تصویب قانون است و مقنن از معیار خاصی برای کاهش مجازات پیروی نکرده و قانون‌گذار در موارد مشابه دیگر، چنین تخفیفی را به صورت مجزا و ویژه قائل نشده است و مشخص نیست دلیل تبعیض بین این جرمها بر جرایم مشابه که در قانون مجازات اسلامی درج گردیده چیست که به نظر می‌رسد در حال حاضر این قانون علاوه بر آزمون و خطا در یک سیر تفسیری در محاکم قضایی در راستای اجرای نهاد تخفیف قرار گرفته و مجرمین در شرایط برابری در استناد به این قانون قرار ندارند.

## منابع و مأخذ:

کتب:

- ۱- اردبیلی، محمد علی؛ حقوق جزای عمومی، جلد سوم، نشر میزان، چاپ سی و ششم، پاییز ۱۳۹۳.
  - ۲- ایمانی، عباس؛ فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، اریان، ۱۳۸۲.
  - ۳- اردبیلی، محمد علی؛ جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، چاپ ۲۲، تهران، ۱۳۸۸.
  - ۴- اردبیلی، محمد علی؛ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ سی و ششم، پاییز ۱۳۹۳.
  - ۵- افراسیابی، محمد اسماعیل؛ حقوق جزای عمومی، تهران، فردوسی، ۱۳۷۷، چاپ اول، ج ۲.
  - ۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، چاپ ۱۹.
  - ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۱.
  - ۸- سبزواری نژاد، حجت؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
  - ۹- شامیاتی، هوشنگ؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۳.
  - ۱۰- ساکی، محمدرضا؛ حقوق جزای عمومی (مسوولیت کیفری)، جلد دوم، انتشارات جنگل - جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۲.
  - ۱۱- سبزواری نژاد، حجت؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
  - ۱۲- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ۱۳۸۵، چاپ ۱۳.
  - ۱۳- گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۲.
  - ۱۴- لطفی، محمد حسن و کاویانی، رضا؛ ترجمه آثار افلاطون، ج ۱.
  - ۱۵- علی آبادی، عبدالحسین؛ حقوق جنایی، تهران، چاپخانه‌ی بانک ملی، ۱۳۵۶، چاپ ۵، ج ۱.
  - ۱۶- عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶، چاپ ۲۸، ج ۱.
  - ۱۷- عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، جلد دوم، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴.
  - ۱۸- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین، چاپ سوم، سرایش، تهران، ۱۳۸۱.
  - ۱۹- نور بهاء، رضا؛ زمینه جزای عمومی با تجدیدنظر و اضافات، نشر کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و هفتم، سال ۱۳۸۸.
  - ۲۰- ولیدی، محمد صالح؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، جنگل، ۱۳۸۸، چاپ ۱.
- مجلات، پایان نامه ها، فصلنامه ها، سخنرانی، روزنامه:
- ۲۱- سبزه علی، راضیه و همکاران؛ پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۲، شماره ۱۰۴، زمستان ۱۳۹۷.
  - ۲۲- گوزلی محمد- شاملو، باقر؛ پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه، آموزه حقوق کیفری دوره جدید، پاییز و زمستان، شماره ۲، ۱۳۹۰.
  - ۲۳- محمدیان، سارا - محمدرضاپور، بابک؛ لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرآیند دادرسی کیفری ایران، مجله علمی پزشکی، دوره ۱۹، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۹۲.
  - ۲۴- روزنامه حمایت؛ نخستین روزنامه حقوقی و قضایی کشور، ۱۳۹۳/۴/۲۵.
  - ۲۵- پروفیسور حمیدالله؛ (نشریه گلستان قرآن)، شماره ۸۳، که در فاصله سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۸

- ۲۶- متن سخنرانی پروفسور رولان؛ در دانشگاه علوم رضوی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، فصلنامه پژوهشی علوم انسانی، شماره دوم، سال اول، زمستان ۱۳۸۰،  
قوانین آرای وحدت رویه، نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه:  
۲۷- قانون مجازات اسلامی مصوب، ۱۳۹۲.  
۲۸- مجموعه قوانین سال ۱۳۹۲.  
۲۹- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴  
۳۰- قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹  
۳۱- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰  
۳۲- قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

پایگاه های اینترنتی:

- 33- <http://www.saiedatalu.blogfa.com>  
34- <http://www.yazdbar.ir>  
35- <http://www.ekhtabar.com>  
36- <http://www.bayanehagh.persianblog.ir>  
37- <https://ius.center>  
38- <http://www.old.nlai.ir>  
39- <http://www.hemayatonline.ir>